

مجله دانش و توسعه (علمی - پژوهشی)، شماره ۲۰، نیمه اول سال ۱۳۸۶

مطالعه تطبیقی شاخصهای اقتصاد کلان بین الملل کشورهای عضو اگو در فرآیند منطقه گرایی

میرعبدالله حسینی *

تقی هومن **

چکیده

در عصر جهانی شدن، توسعه اقتصادی دیگر یک مقوله صرفاً ملی نیست و کشورها برای دست یابی به سطحی مناسب از توسعه، به ناچار باید زمینه‌های برخوردار از امکانات و منابع بین‌المللی را فراهم نمایند. چگونگی تمهید این سازوکار جهت استفاده از منابع جهانی و منطقه‌ای از جمله مهمترین مقولاتی است که امروزه پیش روی تمام کشورها قرار دارد.

اغلب کشورهای واقع در منطقه پیرامونی ایران از جمله کشورهای اگو با در اختیار داشتن ظرفیتهای بالقوه قابل توجه، مدتهاست که در مسیر ترتیبات اقتصادی گام نهاده‌اند. تاسیس همکاری برای عمران منطقه‌ای با قدمت نزدیک پنجاه سال و متعاقب آن سازمان همکاری اقتصادی گواه انگیزه‌ها و تمایلات موجود این کشورها در زمینه منطقه گرایی است. متأسفانه در مقایسه با کوششهای بسیاری که از سوی اغلب این کشورها به عمل آمده، تاکنون پیشرفت متناسب و در خور توجهی در آن حاصل نشده است. به نظر می‌آید در شرایط فعلی حرکت مرحله به مرحله در راستای مراحل تکاملی هم‌پیوندی اقتصادی با اعضای کم (در قالب دو و سه جانبه)، اما کارآمد اقدام موفقیت آمیزی در میان اعضای اگو است. از این منظر، کشورهایی که دارای استعداد، انگیزه و هماهنگی بیشتری برای همکاری اقتصادی و توسعه تجارت هستند و پیوستن دیگر کشورها در مراحل بعدی به آن، عملی‌ترین راه برای تحقق هدف نهایی «توسعه پایدار منطقه‌ای» است.

مقاله حاضر، شاخصهای اقتصاد کلان بین الملل کشورهای عضو اگو در فرآیند منطقه گرایی را مورد مطالعه و ارزیابی قرار می‌دهد. در واقع این مقاله گام نخستین است جهت تبیین و مطالعه تطبیقی شاخصهای کلیدی اقتصاد کلان و بین الملل اثرگذار بر منطقه گرایی که به نوبه خود توانمندیها و استعدادهای آنها را در ایجاد هم‌پیوندی اقتصادی منطقه‌ای نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: همگرایی اقتصادی منطقه‌ای، شاخصهای اقتصاد کلان بین الملل، سازمان همکاری اقتصادی

طبقه بندی JEL: F۱۵ و F۱۳

* عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی hosseini_mir@yahoo.com

** عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی - تبریز

۱ - مقدمه

توسعه همکاریهای اقتصادی و بازرگانی میان کشورهای اکو یکی از علل تشکیل این سازمان بوده و این موضوع در بیانیه ها و موافقت نامه های اتخاذ شده این سازمان مورد تاکید قرار گرفته است. نشستهای برگزار شده اخیر نیز خواستار تجدید تلاشها در جهت تقویت این همکاریها و توسعه تجارت میان کشورهای عضو سازمان از طریق موافقت نامه تجاری اکو (ECOTA) شده است. این موافقت نامه موجب تحرك بخشیدن به همکاری بازرگانی و اقتصادی میان اعضا و به علاوه باعث سرعت بخشیدن به روند ادغام کشورهای واقع در منطقه در نظام تجارت بین الملل خواهد شد. این امر همچنین به تحقق خواست این کشورها مبنی برداشتن سهمی متناسب در تجارت جهانی کمک خواهد کرد. البته در مراحل تکاملی ترتیبات اقتصادی منطقه ای، سطح توسعه سیاسی، اقتصادی و... کشورهای حایز اهمیت ویژه ای است. کشوری ممکن است از لحاظ اقتصادی و توانمندیهای مادی آمادگی این انتقال منطقه ای را داشته باشد، اما از نظر سیاسی این آمادگی هنوز ایجاد نشده و لذا در صورت حضور در ترتیبات اقتصادی منطقه ای، عدم توسعه سیاسی و یا ناهماهنگی سیاسی با دیگر اعضای منطقه ممکن است مانع از کارکرد نیروهای مولد اقتصادی شود. بدین خاطر است که این فرآیند، فرآیندی چند وجهی است و باید به طور متوازن در سطوح سیاسی، اقتصادی و... مورد توجه قرار گیرد و به ویژه، هنگامی که کشورها تلاش دارند رفتارهای خود را با الزامات منطقه ای و بین المللی هماهنگ کنند، این توازن در رابطه با سطوح مختلف توسعه از اهمیت بیشتری برخوردار می شود.

مقاله حاضر، شاخصهای اقتصاد کلان بین الملل کشورهای عضو اکو را مورد مطالعه و ارزیابی قرار می دهد. در واقع این مقاله گام نخستی است جهت تبیین و مطالعه تطبیقی شاخصهای کلیدی اقتصاد کلان و بین المللی اثرگذار بر منطقه گرایی که به نوبه خود توانمندیها و استعدادها آنها را در ایجاد هم پیوندی اقتصادی کارآمد نشان می دهد. در این مقاله، در ادامه مقدمه مفهوم منطقه گرایی و ابعاد و اشکال آن ارائه شده است و سپس مجموعه شاخصها از مهمترین متغیرهای اقتصادی و اقتصاد کلان بین الملل اثرگذار بر هم پیوندی اقتصادی، مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته و موقعیت ایران در این شاخصها به طور برجسته ارائه می شود و آنگاه مقاله حاضر با جمع بندی و ملاحظات تکمیلی خاتمه یافته است.

۲ - مفهوم منطقه گرایی و اشکال و سطوح همگرایی منطقه ای

عنصر کلیدی در تعریف منطقه گرایی مفهوم «منطقه» است که روشن شدن آن در درک مفهوم آن ضروری است. از منطقه به عنوان گروهی از کشورها که در یک چارچوب حقوقی و به صورت نامحدود در حوزه های مختلف از جمله حوزه های اقتصادی با یکدیگر همکاری نموده و به تدریج همکاریهای خود را توسعه می دهند^۱، یاد شده است. بر اساس این تعریف، همکاریهایی که کشورها به صورت محدود و موقت با یکدیگر انجام می دهند از دامنه شمول مفهوم منطقه گرایی خارج است. بر این اساس منطقه گرایی خصلت پایدار داشته و در آن افق درازمدتی برای همکاری کشورها در نظر گرفته می شود. منطقه گرایی غالباً جنبه تکاملی داشته و سطح و دامنه همکاریها به تدریج تعمیق پیدا می کنند.

منطقه گرایی بسته به دامنه و عمق همکاریهای اعضا در شکلهای متفاوتی ظهور می یابد. یکی از ابتدایی ترین سطوح و اشکال ترتیبات تجاری منطقه ای «موافقت نامه های تجارت ترجیحی»^۲ است که شرکت کنندگان در چنین ترتیباتی به کاهش موانع تجاری؛ شامل تعرفه ها و موانع غیر تعرفه ای، در ارتباط با بخشی از تجارت یکدیگر اقدام می ورزند. چنین ترتیباتی به دلیل مجاز نبودن کشورهای توسعه یافته به عضویت در آنها بر اساس مقررات سازمان جهانی تجارت اغلب در بین کشورهای در حال توسعه شکل گرفته است که از آن میان می توان به «نظام جهانی ترجیحات تجاری»^۳ بین تعدادی از کشورهای در حال توسعه اشاره کرد^۴. در یک سطح بالاتر از موافقت نامه های تجارت ترجیحی، مناطق آزاد تجاری^۵ قرار دارند که متداول ترین شکل ترتیبات تجاری منطقه ای به شمار می آیند. در این نوع از ترتیبات منطقه ای، کشورهای عضو به جای کاهش موانع تجاری در ارتباط با تجارت تعداد محدودی از کالاها، به حذف موانع تجاری در ارتباط با تقریباً تمام و یا حجم عمده تجارت یکدیگر اقدام می نمایند. معمولاً کشورهای که موافقت نامه های تجارت آزاد منعقد می کنند تعهدات آزادسازی خود را در یک دوره انتقالی به اجرا در می آورند و تحقق یک منطقه آزاد تجاری عملاً ممکن است ده تا دوازده سال به طول انجامد. امروزه بسیاری از موافقت نامه های تجارت آزاد از صرف آزادسازی تجارت کالا بین اعضا فراتر رفته و دامنه

1) Sheila Page, 2000. p.5.

2) Preferential Trade Agreement

3) Global System of Trade Preferences

۴- ترتیبات تجارت ترجیحی بر اساس مصوبه «شرط توانمندسازی» Enabling clause (۱۹۷۹) برای کشورهای در حال توسعه عضو سازمان جهانی تجارت به منظور تشویق تجارت جنوب - جنوب مجاز شمرده شده است. کشورهای توسعه یافته مکلف هستند ترتیبات تجاری منطقه ای خود را با ضوابط ماده ۲۴ موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات ۹۴)، که شرایط سخت تری را اعمال می نماید، منطبق سازند.

5) Free Trade Area

تعهدات خود را به حوزه تجارت خدمات نیز گسترش داده اند. به علاوه تعداد زیادی از موافقت نامه های تجارت آزاد در جهان ضوابط و موازینی را در زمینه حقوق مالکیت فکری، سرمایه گذاری، سیاست رقابتی، خریدهای دولتی، حقوق کارگران و همکاری در دیگر زمینه های مرتبط با تجارت اعمال می نمایند. به طور تاریخی منطقه اروپا و حوزه مدیترانه بیشترین تعداد ترتیبات تجارت آزاد را در خود جای داده به گونه ای که سهم این منطقه از ترتیبات منطقه ای ۵۰ درصد است^۱.

از آن جا که حجم آزادسازی تجاری و مبادله ترجیحات در چارچوب موافقت نامه های تجارت ترجیحی و تجارت آزاد فراتر از آزادسازی تجاری در قالب چندجانبه (سازمان جهانی تجارت) و مبتنی بر اصل دولت کامله الوداد (MFN) می باشد و همچنین به این دلیل که در این نوع ترتیبات و در این سطح از همکاریهای تجاری، اعضا هنوز از سیاست تجارت مستقلی در قبال کشورهای غیرعضو برخوردارند، ضرورت می یابد تا سازو کاری به منظور تضمین این نکته که ترجیحات در عمل صرفاً به کشورهای عضو تعلق می یابند، تدوین شود. در این ارتباط همه موافقت نامه ها دارای سازوکار قواعد مبدأ می باشند که شامل معیارهایی برای تعیین مبدأ کالایی که مشمول ترجیحات هستند می باشد. بدین ترتیب قواعد مبدأ از صدور مجدد کالاها توسط یکی از اعضای چنین ترتیباتی، که ممکن است تعرفه های پایین تری در مقایسه با دیگر اعضا برای محصولات صادراتی غیرعضو اعمال کند، جلوگیری به عمل می آورد.

پس از مناطق آزاد تجاری شکل پیشرفته تر منطقه گرایی تاسیس «اتحادیه گمرکی»^۲ است. اتحادیه گمرکی نوعی ترتیب منطقه ای است که اعضا علاوه بر حذف موانع تجاری در بین یکدیگر، به اتخاذ سیاست تجاری مشترک در قبال غیراعضا اقدام می کنند. در این نوع همگرایی منطقه ای که نیازمند صرف نظر کردن از بخش بیشتری از حاکمیت ملی است، اعضا اختیار تدوین مستقل سیاست تجاری خود را در سطح ملی از دست داده و به اتفاق دیگر اعضا، سیاست تجاری یکسانی را در قبال غیراعضا در پیش می گیرند. هر چند در اتحادیه گمرکی به دلیل برطرف شدن نگرانی صادرات مجدد کالا که در مناطق آزاد تجاری وجود دارد تشریفات نقل و انتقال کالا ساده تر می شود، مشکلات و پیچیدگیهای جدیدی ظهور می یابند. از آن جمله می توان به دشواری تعیین سیاست تجاری مشترک در قبال کشورهای غیرعضو به دلیل منافع متفاوت و بعضاً متضاد اعضا و همچنین ضرورت ایجاد سازوکارهای توزیع درآمدهای گمرکی بین اعضا اشاره کرد که زمینه اصطکاک منافع را بین اعضا افزایش می دهد. در برخی از مناطق دنیا نیز بعضی از

1) WTO, 2000 (ST/REG/W 141). P.3.

2) Customs Union

ترتیبات منطقه ای به صورت ناقص به اتخاذ سیاست تجاری مشترک در قبال غیر اعضا اقدام کرده اند. در مناطق پیرامونی ایران، شورای همکاری خلیج فارس تا سال ۲۰۰۵ برنامه تاسیس اتحادیه گمرکی را در دستور کار خود داشته و ترکیه نیز در همسایگی ایران و عضو اکو در سال ۱۹۹۶ با اتحادیه اروپا موافقت نامه اتحادیه گمرکی منعقد کرده و همچنان در جهت عضویت در اتحادیه اروپا تلاش می کند.

از دیگر شکل‌های تکامل یافته همگرایی منطقه ای می توان به «بازار مشترک»^۱ اشاره داشت. در بازار مشترک اعضا به آزادسازی جابه جایی عوامل تولید در بین یکدیگر اقدام می کنند. پس از بازار مشترک در عالی ترین سطوح همگرایی می توان «اتحادیه اقتصادی»^۲ را نام برد. در اتحادیه های اقتصادی اعضا علاوه بر تامین بازار مشترک در بین خود به هماهنگی و یکسان سازی سیاستهای پولی، مالی، صنعتی، حمل و نقل و دیگر سیاستها اقدام می کنند. این سطح از همگرایی علاوه بر آن که نیازمند سطح بالایی از اراده سیاسی برای نیل به یکپارچگی در بین اعضاست، درجه بالایی از تجانس اقتصادی و همگونی شاخصهای اقتصادی اعضا را می طلبد.

۳- روش و شاخصهای پژوهش

روش تحقیق استفاده شده در مقاله حاضر به شرح زیر است: ابتدا بالغ بر ۴۰ متغیر از شاخصهای کلیدی اقتصاد کلان بین المللی کشورهای عضو اکو که توانمندیها و استعدادهای آن کشورها را در ایجاد ترتیبات اقتصادی منطقه ای نشان می داد، با عنایت به مبانی نظری و پیشینه تجربی برگزیده شدند. این متغیرها در یک دسته بندی کلی به چهار دسته شاخص های عمومی و جغرافیایی، بنیانهای اقتصادی و سطح توسعه یافتگی، بازرگانی خارجی و اقتصاد بین الملل و سایر متغیرهای مرتبط با توسعه تجارت تعلق دارند. به عبارت دقیقتر، در طی مطالعات مقدماتی مشخص شد که در مورد یک کشور از ۱۰ کشور عضو اکو، اطلاعات آماری کافی وجود ندارد و به همین دلیل این کشور (افغانستان) از تحقیق حاضر حذف شد. ناگفته نماند که کشور مذکور در برهه زمانی مورد بحث به سبب نداشتن دولت مرکزی قدرتمند و نابسامانیهای اقتصادی نتوانسته داده های آماری حوزه های اقتصاد بین الملل را ارائه دهد و به علاوه مطابق گزارش توسعه انسانی و گزارش شاخصهای توسعه جهانی (بانک جهانی) این کشور در زمره کشورهای دارای کمترین درجه توسعه یافتگی است.

1) Common Market

2) Economic Union

در رابطه با شاخصهای پژوهش نیز باید گفت که از مجموع ۴۰ شاخص مرتبط با جغرافیا، اقتصاد، اقتصاد بین الملل و تجارت خارجی کشورهای مورد بحث، ۱۱ شاخص به دلیل نبود داده های آماری مربوطه برای تمامی اعضا حذف شدند. به علاوه تعداد ۱۰ متغیر هم با یکدیگر ضریب همبستگی بالایی داشتند که به یک شاخص به عنوان نماینده در آن حوزه بسنده شد. بدین ترتیب، با توجه به موارد بالا، شاخصهای مقاله حاضر به ۱۶ شاخص تقلیل یافت که شاخصها و متغیرهای نهایی از جمله شاخص توسعه انسانی؛ تولید ناخالص داخلی؛ تولید ناخالص داخلی سرانه و سطح درآمد سرانه؛ شاخص آزادی اقتصادی؛ ارزش تجارت کالایی؛ درجه بازبودن اقتصاد؛ شاخص تمرکز و تنوع کالایی - کشوری صادرات؛ مزیت نسبی طبیعی (جغرافیایی و جمعیتی)؛ جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی و بالاخره شاخص شدت تجارت برای محاسبه و تحلیل از جدیدترین آمار قابل دسترس استفاده شده است. با عنایت به جمیع ملاحظات اعم از ملاحظات خاص در انتخاب کشورها، حذف شاخصهایی به دلیل نداشتن داده های آماری کامل برای تمام کشورها و جهت پرهیز از احتساب مضاعف و وزن متناسب شاخصها، جمعاً بیش از ۱۲ شاخص در فرآیند نهایی محاسبات و تحلیلها مورد استفاده قرار گرفت.

۴- محیط جغرافیایی و جمعیتی سازمان همکاری اقتصادی (اگو)

۴-۱ ویژگی جغرافیایی

در بسیاری از گروه بندیهای اقتصادی، اعضا از نظر جغرافیایی به هم نزدیک هستند، گو این که جغرافیای اقتصادی می تواند تغییر یابد. با این حال، تغییر هزینه های نسبی شیوه های گوناگون حمل و نقل (زمینی، آبی، هوایی) می تواند معادلات درباره اهمیت فاصله بین اعضای گروه بندیهای منطقه ای را به هم بزند. کاهش هزینه متوسط حمل و نقل در مقایسه با هزینه های دیگر باعث کاهش هزینه گسترش یک گروه بندی می شود. با وجود این، نزدیکی جغرافیایی و هزینه حمل و نقل تنها عوامل تعیین کننده در تعیین اعضای یک گروه بندی منطقه ای نیستند و هزینه حمل و نقل فقط جزئی از کل هزینه هاست و بسته به تعداد مراکز تولید و سطوح مختلف توسعه طرفهای بالقوه تجاری، هزینه معامله با آنها فرق می کند. نزدیکی جغرافیایی اعضا نه تنها می تواند باعث تسهیل و ارزانتر شدن مبادلات تجاری شود، بلکه ممکن است موجب برخی ویژگیهای اقتصادی مشترك از نظر منابع، آب و هوا و غیره بین این کشورها نیز باشد. در اکثر گروه بندیهای

اقتصادی، اعضا عمدتاً در یک منطقه جغرافیایی قرار دارند، ولی در تعداد زیادی از این گروه بندیها نیز دست کم برخی از اعضا با دیگران فاصله دارند، به طوری که نمی توان فاصله جغرافیایی را پدیده غیر متعارفی در گروه بندیها دانست.

عده ای استدلال کرده اند که فاصله جغرافیایی باعث پیچیده تر و مشکل تر شدن اداره یک گروه بندی منطقه ای می شود. این استدلال ممکن است در وهله اول قانع کننده به نظر برسد ولی روشن است که یک مانع مطلق نمی تواند باشد. حتی برخی کشورها نیز به وسیله آب با سایر کشورها دچار از هم گسیختگی شده اند و همه امپراتوریهای استعماری که اولین اتحادیه های گمرکی بودند، دچار پراکندگی جغرافیایی بودند. بنابراین، اگر چه فاصله جغرافیایی تا حدودی باعث دشوارتر شدن کنترل و اداره یک منطقه می شود، ولی نمی توان آن را یک مساله لاینحل تلقی نمود. تغییر شیوه ها و در نتیجه هزینه های حمل و نقل باعث تغییر اهمیت نزدیکی یا فاصله جغرافیایی و در نتیجه باعث تغییر اعضای مناسب برای یک گروه بندی منطقه ای می شود. سازمان جهانی تجارت بارزترین استثنا در مورد این قاعده است که تنها کشورهای همجوار، به آزادسازی و قانونمندی تجارت بین خود نمی پردازند. به هر حال، اگر چه تقریباً تمام گروه بندیهای منطقه ای با معیار جغرافیایی درگیر هستند ولی تنها این معیار نیست که اعضای یک گروه بندی منطقه ای را مشخص می نماید.

سازمان همکاری اقتصادی از لحاظ گستره جغرافیایی در غرب و مرکز قاره آسیا پراکنده شده است و البته مرکزیت اکثر واحدهای سیاسی عضو آن به شمال شرق خاورمیانه تعلق دارد. در این گروه بندی منطقه ای، اعضا از نظر جغرافیایی به هم نزدیکند و هزینه های نسبی شیوه های گوناگون حمل و نقل (زمینی، آبی، هوایی) به مراتب پایین تر از سایر کشورهاست. کاهش هزینه حمل و نقل در مقایسه با هزینه های دیگر باعث کاهش هزینه گسترش این گروه بندی منطقه ای می شود و از این منظر اعضای آکو به سبب نزدیکی جغرافیایی از یک مزیت طبیعی برخوردارند. به این ترتیب در حقیقت اعضای این سازمان از حیث جغرافیایی بسیار نزدیک به هم و در واقع جزو شرکای تجاری طبیعی یکدیگر محسوب می شوند.

۴-۲ اندازه جمعیت

اندازه جمعیت یکی از عوامل مهم در بررسی گروه بندیهای اقتصادی منطقه ای است، چرا که با این

پشتوانه قدرتی که برای کشورها به وجود می‌آید، در روابط قدرت و سازش منافع اعضای گروه بندیهای منطقه ای نقش مهمی ایفا می‌کند. بر این اساس، اندازه جمعیت اعضای این گروه بندیها اشکال مختلفی به آنها می‌دهد: گاه یک کشور از نظر جمعیتی کاملاً مسلط است و گاه وزن کشور مسلط به وسیله مجموع وزن سایر کشورهای عضو خنثی می‌شود. با این حال، وزن کشورها را نباید فقط با جمعیت آنها سنجید بلکه باید به درآمد آنها نیز توجه ویژه کرد. یک مساله مهم دیگر اندازه کل جمعیت اعضای یک گروه بندی منطقه ای است، چرا که کل جمعیت یک گروه بندی روی ساختار و پایداری آن، و وزن و نقش آن در سطح بین المللی تاثیر گذار است. کشورهای عضو سازمان اگو با دارا بودن جمعیت بالغ بر ۳۶۰ میلیون نفر حدود ۶ درصد از جمعیت جهانی را در خود جا داده است و از جنبه اندازه جمعیت یکی از بازیگران اصلی بوده و وزن مهمی در میان دیگر ترتیبات اقتصادی منطقه ای دارد.

از میان اعضا، بالاترین جمعیت به پاکستان، ایران و ترکیه تعلق دارد که این سه کشور بیش از ۶۶/۵ درصد از جمعیت این سازمان را تشکیل می‌دهند. پیش بینی می‌شود بسیاری از اعضای این سازمان طی سالهای ۲۰۱۵-۲۰۰۰ با نرخ رشد بالای جمعیتی مواجه شوند که در این میان نرخ رشد جمعیت پاکستان بیش از ۲/۵ درصد برآورد می‌شود و حال آن که کشورهای نرخ رشد کمتر از یک درصد- قزاقستان و آذربایجان- دارند. در واقع بسیاری از اعضا از نرخ رشد جمعیت حول و حوش ۱/۵ درصد برخوردارند که انتظار می‌رود با این نرخ رشد جمعیت همچنان سهم جمعیتی اعضای این سازمان از جمعیت جهان بیشتر شود. البته هیچ وقت نباید وزن کشورها یا ترتیبات منطقه ای را تنها با جمعیت آن ارزیابی کرد، بلکه این معیار در کنار قدرت اقتصادی و اندازه تولید ناخالص ملی مفهوم می‌یابد که در ادامه، ارائه می‌شود.

۵- شاخص توسعه انسانی کشورهای عضو اگو

در باب توسعه، نظریه ها و مکاتب اقتصادی با بینشها و دیدگاههای مختلف پا به عرصه گذارده اند و در راستای رشد و توسعه اقتصادی، راهبردها، سیاستها و برنامه های مختلف توسعه ای به کار گرفته شده است. برای ارزیابی توسعه کشورها در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم، شاخصهای مختلفی معرفی شده که یکی از جدیدترین و کاملترین شاخصها، شاخص توسعه انسانی است که نخستین بار در سال ۱۹۹۰ در گزارش توسعه انسانی برنامه عمران و توسعه سازمان ملل متحد^۱ معرفی و استفاده شد و از آن

1) United Nations Development Program (UNDP)

موقع، این شاخص مورد توجه پژوهشگران، برنامه ریزان و دولتها قرار گرفت^۱. شاخص توسعه انسانی برای ده کشور عضو سازمان، از گزارش توسعه انسانی برای سال ۲۰۰۳ در جدول (۱) درج شده است. مطابق گزارش توسعه انسانی، کشورها (به تعداد ۱۷۳ کشور) به سه سطح از جنبه شاخص توسعه انسانی طبقه بندی شده اند:

جدول (۱) روند شاخص توسعه انسانی در کشورها

شرح	شاخص توسعه انسانی			تفاوت رتبه تولید سرانه و HDI رتبه	شاخص مربوط به توسعه جنسیت		نرخ رشد سالانه جمعیت (%) ۲۰۰۰-۱۵
	رتبه (۲۰۰۰)	۲۰۰۰	۱۹۷۵		رتبه	ارزش عددی	
افغانستان
آذربایجان	۸۸	۰/۷۴۱	...	+۲۴	۰/۵
ایران	۹۸	۰/۷۲۱	۰/۵۵۶	-۲۲	۰/۷۰۳	۸۳	۱/۴
قزاقستان	۷۹	۰/۷۵	...	-۱	-۰/۱
قیرقیزستان	۱۰۲	۰/۷۱۲	...	+۱۲	۱/۱
پاکستان	۱۳۸	۰/۴۹۹	۰/۳۴۵	-۷	۰/۴۶۸	۱۲۰	۲/۵
تاجیکستان	۱۱۲	۰/۶۶۷	۰/۷۴	+۳۹	۰/۶۶۴	۹۴	۱/۰
ترکیه	۸۵	۰/۷۴۲	۰/۵۹۳	-۱۸	۰/۷۳۴	۷۱	۱/۱
ترکمنستان	۸۷	۰/۷۴۱	...	+۱۳	۱/۶
ازبکستان	۹۵	۰/۷۲۷	۰/۷۳۱	+۲۴	۰/۷۲۵	۷۶	۱/۴

SOURCE: UNDP, HDR, 2003

الف - سطح توسعه انسانی بالا: کشورهایی که از سطح سواد، امید به زندگی و قدرت خرید پایه بالاتری برخوردارند، در این گروهند. در واقع ارزش عددی شاخص توسعه انسانی کشورهایی که بیش از ۰/۸ بوده، جز گروه سطح توسعه انسانی بالا (به تعداد ۵۳ کشور) هستند. از ده عضو سازمان هیچ کدام در این سطح از توسعه انسانی قرار ندارند.

ب- سطح توسعه انسانی پایین: مطابق طبقه بندی گزارش توسعه انسانی، کشورهایی که ارزش عددی شاخص توسعه انسانی آنها کمتر از ۰/۵ بوده، در سطح توسعه انسانی پایین هستند که از ۱۷۳ کشور مورد بحث آن گزارش، ۳۶ کشور را در برمی گیرد. این ۳۶ کشور، اساساً کشورهایی هستند که علاوه بر آن که از سطح قدرت خرید (تولید سرانه) نازلتری برخوردارند، با سطح پایین تری از آموزش و

۱- در این شاخص، توسعه انسانی فرآیندی است که دامنه حق انتخاب از سوی مردم را وسعت می بخشد، لکن طی زمان و در هر سطحی از توسعه، سه عامل یا گزینه ضروری برای مردم ملاک قرار می گیرد: رسیدن به یک زندگی طولانی و توأم با سلامت (امید به زندگی)، کسب علم و دانش (شاخص باسوادی) و دسترسی داشتن به منابع مورد نیاز و یک سطح زندگی مناسب و شایسته (قدرت خرید پایه)، در صورت نبود این گزینه های ضروری، دسترسی به بسیاری از فرصتهای دیگر ناممکن می شود.

بهداشت مواجهند و غالباً سطح بهداشت و آموزش نازلتر از سطح قدرت خریدشان است. ۳۶ کشور به گروه کشورهای با سطح توسعه انسانی پایین تعلق دارد که از اعضای اگو، پاکستان با رتبه ۱۳۸ به این دسته تعلق دارد، هر چند اطلاعات آماری افغانستان ارائه نشده، بی تردید به این گروه تعلق دارد^۱.

ج - سطح توسعه انسانی میانه: گزارش توسعه انسانی، کشورهایی که ارزش عددی شاخص توسعه انسانی در دامنه ۰/۸ و ۰/۵ قرار دارند، در گروه سطح توسعه انسانی میانه طبقه بندی نموده است. مطابق آن طبقه بندی، تعداد ۸۴ کشور از کشورهای مورد بحث به این گروه تعلق داشته اند. از این تعداد، ۸ کشور عضو سازمان اگو هستند که اغلب این کشورها در سطوح پایین این گروه (رتبه بیش از ۱۰۰) قرار دارند. در این میان، ایران با احراز ارزش عددی ۰/۷۱۷ رتبه ۹۸ شاخص توسعه انسانی را به دست آورده است که هم ردیف کشور ازبکستان است. از کشورهای عضو اگو دارای سطح توسعه انسانی میانه چهار کشور قزاقستان، ترکیه، ترکمنستان و آذربایجان از سطح توسعه انسانی ایران بالاترند. برخی اعضای اگو از رتبه قدرت خرید پایه (تولید سرانه) به مراتب بالاتر (بهتر) از رتبه شاخص توسعه انسانی برخوردار بوده اند؛ به عبارتی در برخی از کشورهای عضو، شاخص سطح آموزش و بهداشت از شاخص تولید سرانه پایین تر بوده است و اما در این میان در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز عضو اگو نظیر ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان، تاجیکستان و آذربایجان، شاخص سطح آموزش و بهداشت از شاخص تولید سرانه به مراتب بالاتر بوده است. شاخص توسعه انسانی اعضای اگو ناهمگون و در سطح پایینی بوده است، البته جهت گیری سیاستهای اقتصادی کشورها در ارتقای رفاه سرانه این کشورها، بهبود شاخص توسعه انسانی را در پی داشته و متعاقباً همگرایی منطقه ای را بهتر میسر می سازد.

۶- شاخص های اقتصادی و کلان کشورهای عضو اگو

۶-۱ - اندازه اقتصاد (GNP) کشورها

ساده ترین شاخصی که می توان به عنوان معیاری برای امکان سنجی ادغام بین گروهی از کشورها مورد استفاده قرار داد، اندازه تولید ناخالص ملی کشورهاست. وقتی کشورها از نظر اندازه GDP به هم نزدیکتر باشند، امکان تجارت بین آنها افزایش می یابد (Helpman, ۱۹۸۷). برای نمونه، اگر یک دنیای

۱- قدر مسلم افغانستان به سبب فقر اساسی در آموزش، بهداشت و درآمد، اساساً از بی ثباتیهای بنیادین سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رنج می برد که اخیراً از آرامش نسبی و حکومت مرکزی مناسبی برخوردار شده، اما بدون شک تا کنون در ترتیبات منطقه ای که عضو بوده، مشارکت فعالی نداشته است.

سه کشوری را در نظر بگیریم و GDP برای هر سه کشور ۱۲۰ باشد، اگر GDP کشورها به ترتیب ۱۰، ۱۰، ۱۰۰ باشد، پس حداکثر مقدار صادرات در این دنیا ۴۰ خواهد بود؛ به عبارتی به این معناست که کشورهای کوچک تمام GDP را صادر، و مقدار مساوی وارد نمایند. اما اگر GDP هر کشور ۴۰ باشد، حداکثر میزان صادرات در این سه کشور ۱۲۰ خواهد بود. پس وقتی کشورها از نظر اندازه اقتصادی به هم نزدیکند، واردات تولیدات متنوع تر، بیشتر است. نتایج تجربی این معیار برای OECD مورد تایید است. از نظر تولید ناخالص داخلی، شاخص توسعه انسانی و تولید کل، در درون و میان گروه بندیهای اقتصادی منطقه ای تفاوت و تنوع زیادی وجود دارد، ولی این تفاوت در مورد درآمد سرانه نسبتاً کمتر است. برای ارزیابی اهمیت یک گروه بندی منطقه ای در اقتصاد جهانی و برای اعضای آن گروه بندی، هر دو معیار جمعیت و تولید را باید در نظر گرفت. حتی وقتی که یک گروه بندی منطقه ای کوچک است، آیا آن قدر بزرگتر از اعضای خود هست که همکاری دسته جمعی باعث افزایش چشمگیر قدرت آنها شود؟ بدین ترتیب اندازه این گروه بندی نسبت به اعضای آن نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

در جدول (۲)، تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو بر حسب دلار امریکا و PPP برای سال ۲۰۰۰ درج شده است. مطابق آن، کل تولید ناخالص داخلی سازمان اگو در سال ۲۰۰۰، ۴۰۴/۳ میلیارد دلار امریکا (و ۱۳۰۸/۴ میلیارد دلار بر حسب PPP) بوده است که کل تولید ناخالص داخلی سازمان اگو در مقایسه با جمعیت جهانی به مراتب پایین است. در این میان، ۳ کشور ترکیه، ایران و پاکستان هر یک بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار بر حسب PPP تولید ناخالص داشته اند که جمعاً نزدیک ۱۱۰۰ میلیارد دلار و بیش از ۸۰ درصد از کل تولید ناخالص داخلی این سازمان را تشکیل می دهند. در مقابل دو کشور افغانستان و تاجیکستان از اعضای اگو از تولید ناخالص داخلی کمتر از ۱۰ میلیارد دلار برخوردار بوده اند که از نظر تولید ناخالص داخلی، این دو کشور به عنوان بازیگران مهم و اثرگذار در این سازمان محسوب نمی شوند. در واقع، کشورهای اگو از نظر مشابهت اندازه تولید ناخالص ملی کشورها در حد میانه قرار دارند. از لحاظ سطح درآمدی، بیش از نصف اعضا (۶ کشور) در سطح درآمدی کم قرار دارند و تنها یک کشور - ترکیه - با سطح درآمد بالاتر از متوسط بوده و بقیه نیز در سطح درآمد کمتر از متوسط قرار دارند. به این ترتیب در حقیقت کشورهای عضو این سازمان از لحاظ سطح درآمدی ناهمگون و اساساً فقیر و کمتر توسعه یافته محسوب می شوند.

۶-۲- درآمد سرانه کشورها

درآمد سرانه می تواند معیاری مناسب برای مقایسه اوضاع اقتصادی کشورهای مختلف با یکدیگر باشد و لکن این معیار، به طور مطلق حاکی از توسعه یافتگی و پیشرفت اقتصادی یک کشور نیست؛ چراکه باید عوامل دیگری مانند سطح و هزینه زندگی و نحوه توزیع درآمدها، نیازها و مشکلات هر کشور، تمایلات عادات مصرفی، ضریب پس انداز و سرمایه گذاری را باید در نظر گرفت. رعایت این ضوابط تا حدودی درآمد سرانه را به واقعیات اقتصادی کشور نزدیکتر می کند و موضوع مقایسه را منطقی تر می سازد. تولید ناخالص داخلی سرانه به روش PPP برای اعضا در جدول (۲) ارائه شده است. مطابق اطلاعات آماری ارائه شده، بالاترین تولید سرانه به ترکیه، ایران و قزاقستان که بیش از ۵ هزار دلار بوده، تعلق دارد و حال آن که کمترین تولید سرانه به دو کشور افغانستان و تاجیکستان که کمتر از ۱۵۰۰ دلار بوده، اختصاص دارد؛ بر مبنای این شاخص، هرچه کشوری با تولید سرانه بالاتر مواجه باشد، از قدرت اقتصادی بالاتری برخوردار بوده و در ترتیبات منطقه ای با مجموعه کشورهای دارای قدرت اقتصادی بالاتر بهتر می تواند همکاری نماید.

جدول (۲) عملکرد اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی (ECO)

شرح	تولید ناخالص داخلی		تولید ناخالص داخلی سرانه (%)		سرانه دلار PPP	تولید سرانه		سال مورد نظر	سطح درآمد سرانه
	دلار آمریکا	برحسب PPP	نرخ رشد سالانه			تولید سرانه رقم	تولید سرانه		
			۱۹۷۵-۲۰۰۰	۱۹۹۰-۲۰۰۰					
آذربایجان	۵/۳	۲۳/۶	-۹/۶	-۷/۳	۲۹۳۶	۸۴۳۵	۱۹۸۶	LIC	
ایران	۱۰۴/۹	۳۷۴/۶	۰/۷	۱/۹	۵۸۸۴	۷۹۵۹	۱۹۷۶	LMC	
قزاقستان	۱۸/۲	۸۷/۳	...	-۳/۱	۵۸۷۱	۸۱۲۷	۱۹۸۹	LMC	
قرقیزستان	۱/۳	۱۳/۳	-۴/۷	-۵/۱	۲۷۱۱	۴۵۷۰	۱۹۹۰	LIC	
پاکستان	۶۱/۶	۲۶۶/۲	۲/۸	۱/۲	۱۹۲۸	۱۹۲۸	۲۰۰۰	LIC	
تاجیکستان	۱/	۷/۱	-۱۰/۸	-۱۱/۸	۱۱۵۲	۳۹۹۹	۱۹۸۸	LIC	
ترکیه	۱۹۹/۹	۴۵۵/۳	۲/۱	۱/۲	۶۹۷۴	۷۰۶۳	۱۹۹۸	LMC	
ترکمنستان	۴/۴	۲۰/۶	-۷/۹	-۸/	۳۹۵۹	۸۰۴۹	۱۹۸۸	LIC	
ازبکستان	۷/۷	۶۰/۴	-۲/۶	-۲/۴	۲۴۴۱	۳۰۹۱	۱۹۸۹	LIC	

Source: 1. UNDP, HDR, 2002, PP: 190- 1932- World Bank Data

مطابق این اطلاعات، نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی سرانه طی سالهای ۱۹۹۰-۲۰۰۰ شش کشور عضو، منفی بوده است و حال آن که بقیه کشورها نیز نرخ رشد سالانه تولید سرانه کمتر از ۲ درصد طی سالهای ۱۹۹۰-۲۰۰۰ را تجربه کرده اند و بدین ترتیب عملکرد چندین موفقی از اعضای این سازمان

ملاحظه نمی شود. در ستونهای دیگر جدول مذکور بالاترین رقم تولید سرانه و سال مورد نظر برای کشورهای اکو درج یافته است. مطابق آن اطلاعات آماری، بسیاری از کشورهای عضو از لحاظ تولید سرانه در سالهای اخیر در مقایسه با دو دهه گذشته به افزایش رفاه سرانه دست یافته اند و اما در این میان کشور ایران، بالاترین تولید سرانه طی دهه ۱۹۷۰ را شاهد بوده که رفاه سرانه فعلی این کشور در مقایسه با دو دهه قبل با کاهش مواجه بوده است و در این میان جماهیر شوروی سابق عضو اکو، رفاه سرانه فعلی شان در مقایسه با سالهای پایانی دهه ۱۹۸۰ با کاهش مواجه بوده است.

ستون آخر جدول، گروه بندی کشورهای اکو را از لحاظ درآمد سرانه نشان می دهد که مطابق تقسیم بندی بانک جهانی کشورهای با سطح درآمد سرانه کمتر از ۷۴۵ دلار، درآمد پایین، درآمد سرانه بین ۷۴۶ تا ۲۹۷۵ دلار درآمد متوسط به پایین، درآمد سرانه بین ۲۹۷۶ و ۹۲۰۵ درآمد متوسط به بالا و درآمد سرانه بیش از ۹۲۰۶ «درآمد بالا» صورت گرفته است. از مجموعه کشور عضو اکو، تنها ۳ کشور با سطح درآمد سرانه متوسط و ۷ کشور بقیه در سطح درآمد سرانه پایین قرار دارند و بدین ترتیب هیچ کدام از اعضای اکو از سطح درآمد بالاتری برخوردار نیستند.

۳-۶- ساختار اقتصادی کشورها

جدول (۳)، تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد آن طی سالهای ۱۹۹۰-۲۰۰۱، ساختار اقتصادی و تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کشورهای عضو اکو را برای سال ۲۰۰۱ نشان می دهد. با نگاهی اجمالی به آن جدول، مشخص می شود که این کشورها از ساختار اقتصادی متفاوت، و با سطوح توسعه اقتصادی ناهمگونی مواجه هستند. این تفاوتها در عین حال که می تواند جنبه مثبت داشته باشند، محدودیتهایی را نیز ایجاد می نمایند.

در ترکیه، ایران، تاجیکستان و پاکستان، خدمات بیش از نیمی از GDP را تشکیل می دهد و صنعت و کشاورزی در برخی از کشورها، سهم مهمی از GDP را تشکیل می دهد. کمتر کشوری با درآمد سرانه بالا می توان یافت که سهم کشاورزی از GDP آن قابل ملاحظه باشد و بالعکس کمتر کشور با درآمد سرانه پایینی می توان یافت که سهم کشاورزی از GDP چشمگیر نباشد. البته در بسیاری از کشورها، بخش خدمات سهم چشمگیری از GDP را تشکیل می دهد و دامنه سهم کشاورزی از GDP اعضا، حداقل رقم ۹ درصد (قزاقستان) و حداکثر ۳۸ درصد (قیرقیزستان) بوده است و همچنین دامنه سهم صنعت از GDP

جدول (۳) ساختار اقتصادی کشورهای عضو اگو

تشکیل سرمایه‌از GDP (%)	ارزش افزوده % از GDP در ۲۰۰۱ (درصد)			نرخ رشد GDP ۲۰۰۱-۱۹۹۰	GDP میلیارد دلار ۲۰۰۱	شرح
	خدمات	صنعت	کشاورزی			
۱۹	۴۲	۳۸	۲۰	۲/۷	۵/۶۹	آذربایجان
۲۰	۵۴	۲۶	۱۹	۳/۶	۱۱۸/۸۷	ایران
۱۳	۴۳	۴۸	۹	-۲/۸	۲۲/۶۴	قزاقستان
۱۵	۳۵	۲۷	۳۸	-۲/۹	۱/۵۳	قبرقیزستان
۱۵	۵۱	۲۳	۲۵	۳/۷	۵۹/۶	پاکستان
۲۰	۵۵	۲۶	۱۹	-۸/۷	۱/۰۶	تاجیکستان
۱۵	۵۸	۲۷	۱۵	۳/۳	۱۴۷/۶۳	ترکیه
۴۰	۲۳	۱۰	۲۷	-۲/۸	۵/۹۶	ترکمنستان
۱۱	۴۳	۲۱	۳۶	۲۰/۱	۱۱/۲۷	ازبکستان

Source: WB, World Development Report, 2002

در این میان، حداقل ۱۰ درصد (ترکمنستان) و حداکثر ۴۸ درصد (قزاقستان) بوده است. انتظار می‌رود کشورهای با اقتصاد بزرگ عضو اگو، که سهم صنعت از GDP چشمگیر است بهتر بتوانند از جریان مبادلات تجاری دوجانبه و چندجانبه با دیگر اعضای اگو بهره‌مند شوند.

از متغیرهای مهم اقتصاد کلان «سهم تشکیل سرمایه ناخالص از GDP» است که هر چه این معیار بالاتر باشد، حکایت از آن دارد که آن کشور توانسته در توسعه کشور تلاش نماید و رشد و شکوفایی اقتصادی را به ارمغان آورد. بر مبنای این شاخص از میان اعضای اگو در سال ۲۰۰۱ بالاترین نسبت ۴۰ درصد به ترکمنستان و پایین‌ترین نسبت ۱۱ درصد به ازبکستان تعلق داشته و به این ترتیب دامنه نسبت فوق در میان کشورهای مورد بحث چشمگیر بوده است.

۷- جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

در فرآیند جهانی شدن و تشکیل گروه‌بندیها در سطح جهان، اقتصاد کشورها چه در طی فرآیند طبیعی و چه به صورت مدیریت شده به تدریج به سوی همگونی بیشتر و یافتن جایگاه خویش در ساختار تولیدی و تجاری در حال شکل‌گیری، حرکت می‌کنند. یکی از شاخص‌های اصلی در جهت اندازه‌گیری همگونی و سطح پیشرفت یک کشور در بین کشورهای جهان، بررسی ساختار جریانهای ورودی سرمایه‌گذاری

مستقیم خارجی در این کشورها می باشد. سهم هر کشور در جذب FDI می تواند مشخص کننده میزان همگونی ساختار تولید یک کشور با ساختار تولید جهانی باشد، چرا که هدف سرمایه گذار جذب سود بلندمدت از طریق مشارکت در فعالیتهای اقتصادی در سطح کلان می باشد و از آنجایی که FDI تاثیر مستقیمی بر توانایی ایجاد پتانسیلهای تجاری کشورهای عضو می تواند بگذارد، لذا بررسی وضعیت این کشورها در جذب FDI دارای اهمیت است.

از طرف دیگر، گسترش سرمایه گذاری مستقیم خارجی به نوبه خود این امکان را فراهم ساخته تا تولیدات صنعتی به شکلی غیر متمرکز و با گردآوری قطعات از مناطق مختلف صورت گیرد؛ بدین مفهوم، بسیاری از کشورها در یک صنعت خاص به صورت صادرکننده و واردکننده هم زمان مطرح شده اند. شاخص تجارت درون صنعتی که سهم تجارت درون صنعتی را محاسبه می نماید در دهه های اخیر به سرعت رو به افزایش گذاشته است^۱. برای کشورهای در حال توسعه سرمایه گذاری مستقیم خارجی از دو جهت دارای اهمیت است: اولاً توسعه سرمایه گذاری خارجی در داخل یک کشور نشان دهنده انعکاس اطمینان سرمایه گذاران خارجی به شرایط تولیدی و تداوم اصلاح ساختار اجتماعی- اقتصادی آن کشور است. ثانیاً به طور هم زمان شکل گیری سرمایه گذاری توسط آن کشور در خارج گامی در راستای شرکت در جهانی شدن اقتصاد و همچنین انجام اصلاحات ساختاری خواهد بود. بر اساس گزارش سرمایه گذاری جهانی^۲ UNCTAD در سال ۲۰۰۲، ده کشور توسعه یافته صنعتی^۳ بالاترین FDI را در جهان به خود اختصاص داده اند و در این میان، هیچ کدام از اعضای اکو در میان ده کشور در حال توسعه با بالاترین سرمایه گذاری مستقیم خارجی^۴، نبودند.

۱- به عنوان نمونه، سهم مبادلات میان صنایع مشابه در هفت کشور صنعتی بزرگ از ۴۹ درصد در سال ۱۹۹۵ به ۶۱ درصد در سال ۱۹۹۵ افزایش یافته است و در مورد کشورهای تازه صنعتی شده آسیا (کره جنوبی، هنگ کنگ و سنگاپور) این شاخص از ۵۵ درصد در سال ۱۹۸۵ به ۶۰ درصد در سال ۱۹۹۰ بالغ شد.

۲- کل سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) در جهان از ۶۹۴/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۸ به ۱۴۹۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ رسیده و اما در سال ۲۰۰۱ به ۷۳۵ میلیارد دلار کاهش یافته است. از این رقم، بخش اعظم به کشورهای توسعه یافته تعلق داشته است؛ چرا که در سال ۱۹۹۸، ۶۹/۴ درصد از کل FDI جهانی به کشورهای توسعه یافته تعلق داشته، که در سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ به ترتیب به ارقام ۸۲/۳ و ۶۸/۴ درصد رسیده است. در میان کشورهای توسعه یافته نیز بخش مهمی از سرمایه گذاری مستقیم خارجی به اروپای غربی به خصوص اتحادیه اروپا تعلق داشته است و بعد از آن، امریکای شمالی در ردیف دوم قرار دارد. FDI ورودی در کشورهای در حال توسعه نیز از ۱۸۷/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۸ به ۲۳۷/۹ و ۲۰۴/۸ میلیارد دلار طی دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ رسیده که سهم FDI ورودی از کل FDI جهان، از ۲۷ درصد در سال ۱۹۹۷ به ارقام ۱۶ و ۲۸ درصد در سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ تغییر یافت. بخش مهمی از FDI کشورهای در حال توسعه به منطقه جنوب شرق آسیا و امریکای لاتین و کارائیب تعلق داشته است.

۳- به ترتیب ایالات متحده، انگلیس، فرانسه، بلژیک، لوکزامبورگ، سوئیس، آلمان، کانادا، اسپانیا، ایتالیا و سوئد

۴- به ترتیب چین، مکزیک، هنگ کنگ، برزیل، برمودا، لهستان، سنگاپور، افریقای جنوبی، شیلی و جمهوری چک

جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی طی سالهای ۱۹۹۷-۲۰۰۱ برای ۱۰ کشور عضو سازمان در جدول (۴) درج شده است. مطابق اطلاعات آماری آن جدول، کل FDI ورودی سازمان اکو در سال ۱۹۹۷ حدود ۵/۱۲ میلیارد دلار بود که جمعاً ۰/۷۴ درصد از کل FDI جهانی را تشکیل می دهند و این رقم طی دو سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ بترتیب به ارقام ۲/۹۶ و ۶/۹۵۵ میلیارد دلار معادل ۰/۲ و ۰/۹۵ درصد از کل FDI جهانی تغییر یافته است. در این میان، در سال ۲۰۰۱ دو کشور قزاقستان (۲/۷۶ میلیارد دلار) و ترکیه (۳/۲۷ میلیارد دلار) بالاترین میزان FDI ورودی را به دست آورده اند. گفتنی است از متخصصین اقتصادیین الملل، ریزن نشان می دهد که اگر جریان سرمایه گذاری به ۳ الی ۴ درصد تولید ناخالص داخلی برسد، در این صورت نرخ رشد اقتصادی به میزان ۰/۵ درصد بهبود می یابد^۱.

جدول (۴) جریان ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای عضو طی سالهای ۱۹۹۷-۲۰۰۱

کشور	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
افغانستان	-۱/۵	۰/۰	۶/۰	۰/۲	۲/۱
آذربایجان	۱۰۶۷	۱۰۸۵	۵۱۰/۳	۱۲۹/۹	۲۲۶/۵
ایران	۵۳	۲۴	۳۵	۳۹	۳۲/۷
قزاقستان	۲۱۰۷	۱۲۳۳/۳	۱۴۶۸	۱۲۷۷/۷	۲۷۵۹/۷
قرقیزستان	۸۳	۱۰۹/۲	۴۴/۴	-۲/۴	۴۰
پاکستان	۷۱۳	۵۰۷	۵۲۹/۷	۳۰۵/۱	۳۸۵/۴
تاجیکستان	۱۸	۲۵	۲۱	۲۲	۲۲
ترکیه	۸۰۵	۹۸۰	۷۸۳	۹۸۲	۳۲۶۶
ترکمنستان	۱۰۸	۶۲	۸۹	۱۳۱	۱۵۰
ازبکستان	۱۶۷	۱۴۰	۱۲۱	۷۳	۷۱

UNCTAD, World Investment Report, 2002

۱- برای مثال، در این بین ترکیه اولویت زیادی به تشویق سرمایه گذاری خارجی داده و انگیزه های متعددی را برای سرمایه گذاران فراهم نموده است. علاوه بر قانون مبنی بر تشویق سرمایه گذاری خارجی، قوانین دیگری که رقابت و استانداردهای بین المللی تجاری را حمایت می کنند، از تصویب پارلمان ترکیه گذشته است. این در شرایطی است که تا چندی پیش، جریان سرمایه گذاری خارجی در ایران در سطح نازلی قرار داشته است. به نحوی که طی دوره زمانی ۹۶-۹۷ رقم آن تنها بالغ بر ۴ میلیون دلار بوده است. از سال ۱۹۹۳-۱۹۹۷، ۵۰ پروژه تولیدی با سرمایه خارجی ۷۲۲ میلیون دلار تصویب شده ولی عملاً مقدار سرمایه گذاری خارجی به مبلغ ۴۰ میلیون دلار تحقق یافته است. البته در یکی دو سال اخیر با تصویب قانون سرمایه گذاری مستقیم خارجی و دیگر اقدامات مهم زیرساختی، روند جذب FDI در ایران شتاب گرفته است. علاوه بر آن طی سالهای نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ کشورهای CIS عضو اکو ورود FDI با جذابیت بهتری مواجه شده اند.

به طور کلی کشورهایی که جریان ورود FDI بیشتری مواجه بوده اند، در جهانی شدن اقتصاد و نیز هم پیوندیهای منطقه ای مشارکت فعالتری ایفا نموده اند و در منطقه گرایی نیز دارای اهمیت ویژه ای هستند. در یک جمع بندی باید گفت که مطابق شاخص عملکرد، FDI ورودی اغلب اعضای اگو نازل بوده، در این میان شاخص عملکرد ایران در FDI ورودی، پایین تر بوده است.

۷- شاخص آزادی اقتصادی

طی دهه گذشته بسیاری از کشورهای جهان از جهانی شدن اقتصاد متاثر شده اند. فراگیری توسعه تجارت بین الملل به گونه ای اتفاق افتاده که گسترش رقابت بین المللی را بین کشورهای صنعتی از یک سو و بین کشورهای صنعتی و اقتصادهای آسیایی تازه صنعتی شده (NIES) از دیگر سو به دنبال داشته است. جهانی شدن در سلیقه ها، سرمایه گذاری و تجارت بین الملل و حتی در بازار نیروی کار اثر گذاشته و رقابت بین الملل را گسترش داده است.

بر مبنای بررسیهایی که بنیاد هری تیج در زمینه آزادی اقتصادی برای کشورهای جهان (۱۵۷ کشور) در سال ۲۰۰۳ انجام داده^۱، موقعیت بسیاری از کشورهای عضو اگو مشخص شده است. شایان توجه است که رتبه های آزادی اقتصادی می تواند به عنوان یک عامل رقابت بین الملل مطرح گردد. در واقع موقعیت کشورهای مورد بررسی در بین ۱۵۷ کشور جهان از نظر آزادی اقتصادی برای سال ۲۰۰۳ در جدول شماره (۵) انعکاس یافته است. در بین این کشورها، ترکیه با کسب رتبه ۳۱ در بین ۱۵۷ کشور جهان، در صدر کشورهای عضو این سازمان قرار گرفته است، در حالی که ایران با کسب رتبه ۱۴۶ در بین کشورهای جهان در انتهای رتبه بندی کشورها واقع شده است و لذا از لحاظ آزادی اقتصادی در موقعیت کاملاً ضعیفی (حتی در بین این کشورها) به سر می برد. اعضای اگو به دلیل مواجهه با مشکلات عدیده اقتصادی در صحنه بین المللی نقش بسیار ضعیفی را ایفا می نمایند. البته برخی از این کشورها از اقتصاد باز و نسبتاً کوچک برخوردار هستند. در بعضی از این کشورها، استفاده از مقررات کنترل اقتصادی، سیاست تجاری و یارانه ها و حمایت از صنایع به نحو چشم گیری اعمال می شود.

با این وصف، این کشورها متناسب با شرایط اقتصادی خود از پتانسیل مناسب برای حضور مجدد و

۱- ده شاخص شامل تجارت، بودجه، دخالت دولت، سیاست پولی، سرمایه گذاری خارجی، بانک داری و تأمین مالی، دستمزدها و قیمتها، حقوق مالکیت فکری، مقررات و بازار سیاه به عنوان معیارهای آزادی اقتصاد مد نظر قرار گرفته است.

قویتر در عرصه بین الملل برخوردارند. بر اساس معیار آزادی اقتصادی، هرچه کشوری از قدرت بین المللی بالاتری در عرصه اقتصاد بین الملل در جهان برخوردار باشد، امکان و توانایی بالاتری جهت عضویت در اقتصاد منطقه ای داراست. جدول (۶)، شاخص آزادی اقتصادی (امتیاز کل و رتبه) و اجزای ده گانه آن را برای اعضای اگو در سال ۲۰۰۳ نشان می دهد. در این میان، کشور ایران از پائین ترین درجه آزادی اقتصادی مواجه بوده که از ضعیف ترین حقوق مالکیت فکری، مقررات، بانکداری و سرمایه گذاری خارجی برخوردار است.

جدول (۵) شاخص آزادی اقتصادی و نماگرهای آن برای کشورهای عضو اگو در سال ۲۰۰۳

کشورها و رتبه آنها	امتیاز کل	تجارت	بودجه	دخالت دولت	سیاست پولی	سرمایه گذاری خارجی	بانکداری و تامین مالی	قیمت ها و دستمزدها	حقوق مالکیت فکری	مقررات	بازار سیاه
آذربایجان (۱۰۴)	۳/۳۵	۳	۳	۳	۱	۴	۴	۳	۴	۴	۴/۵
ایران (۱۴۶)	۴/۱۵	۳	۲/۵	۴	۴	۴	۵	۴	۵	۵	۵
قزاقستان (۱۱۹)	۳/۵	۴	۳	۲	۳	۴	۴	۳	۴	۴	۴
قیرقیزستان (۱۰۴)	۳/۳۵	۴	۲/۵	۲	۴	۳	۳	۳	۴	۴	۴
پاکستان (۹۹)	۳/۳	۵	۳	۳	۲	۳	۳	۳	۴	۳	۴
تاجیکستان (۱۴۳)	۳/۹۵	۳	۲/۵	۳	۵	۴	۵	۴	۴	۴	۵
ترکیه (۱۱۹)	۳/۵	۳	۴/۵	۳	۵	۳	۳	۳	۳	۴	۳/۵
ترکمنستان (۱۴۶)	۴/۱۵	۵	۲/۵	۴	۴	۴	۵	۴	۴	۴	۵
ازبکستان (۱۴۹)	۴/۲۵	۵	۳/۵	۳	۵	۴	۵۴	۴	۴	۵	۴

Source: Heritage foundation, 2003 (www.heritage.org)

۸- توسعه بخش خارجی اقتصاد

اندازه تجارت، واردات و صادرات یکایک کشورها و سازمان اگو را طی سالهای ۱۹۹۰ و ۲۰۰۱ در جدول (۷) نشان می دهد. مطابق اطلاعات آماری ارائه شده در آن جدول، کل تجارت (صادرات به علاوه واردات) این سازمان در سال ۱۹۹۰، ۱۰۸/۷۵ میلیارد دلار بوده که با ۵۳ درصد رشد طی سالهای ۱۹۹۰ - ۲۰۰۱ به رقم قابل ملاحظه ۱۶۶/۷۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ رسیده است و به این ترتیب سهم این سازمان از کل تجارت جهانی از ۱/۵۸ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۱/۳۴ درصد در سال ۲۰۰۱ کاهش نشان می دهد^۱. از میان کشورهای عضو سازمان، کشور ترکیه و ایران، هر یک با بیش از ۲۵ درصد از

۱- ارزش تجارت جهانی طی سالهای ۱۹۹۰-۲۰۰۱ از ۶۸۸۶/۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ با ۹/۹ درصد رشد طی دوره (متوسط نرخ رشد سالانه ۵/۴۸ درصد) به ۱۲۴۶۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ رسیده است (IFS, IMF, 1998-2004).

تجارت اکو، جمعاً ۶۸/۷ درصد از تجارت اکو را در سال ۲۰۰۱ به خود اختصاص داده اند و این در شرایطی بوده است که بقیه اعضای اکو به جز پاکستان و قزاقستان، کمتر از ۵ درصد از کل تجارت این سازمان را تشکیل می دهند که گویای تجارتی ناهمگون در میان اعضای این سازمان است.

جدول (۶) اندازه تجارت، صادرات و واردات اعضای اکو طی سال های ۱۹۹۰-۲۰۰۱

شرح	سهم از تجارت ۲۰۰۱	شاخص تجارت ۲۰۰۱/۱۹۹۹	تجارت کالا ۲۰۰۱	تجارت کالا ۱۹۹۰	شاخص واردات (۲۰۰۱/۱۹۹۹)	واردات کالا میلیون دلار ۲۰۰۱	واردات کالا میلیون دلار ۱۹۹۹	شاخص صادرات (۲۰۰۱/۱۹۹۰)	صادرات کالا ۲۰۰۱	صادرات کالا ۱۹۹۰
افغانستان	۰,۱۷	۴۹/۴۲	۵۷۹/۰۰	۱۱۷۱/۵۰	۴۹/۹۸	۴۶۸/۰۰	۹۳۶/۴۰	۴۷/۲۱	۱۱۱/۰۰	۲۳۵/۱۰
آذربایجان	۲,۲۵	۱۹۰/۵۹	۳۷۴۵/۲۰	۱۹۶۵/۱۰	۱۳۸/۱۳	۱۴۳۰/۹۰	۱۰۳۵/۹۰	۲۴۹/۰۶	۲۳۱۴/۳۰	۹۲۹/۲۰
ایران	۲۵,۱	۱۱۱/۲۱	۴۱۸۵۴/۰۰	۳۷۶۳۵/۰۰	۹۸/۹۵	۱۸۱۳۸/۰۰	۱۸۳۳/۰۰	۱۲۲/۸۵	۲۳۷۱۶/۰۰	۱۹۳۰۵/۰۰
قزاقستان	۹	۱۶۲/۳۷	۱۵۰۰۹/۹۰	۹۲۴۴/۵۰	۱۷۲/۶۰	۶۳۶۳/۰۰	۳۶۸۶/۵۰	۱۵۵/۵۸	۸۶۴۶/۹۰	۵۵۵۸/۰۰
قزاقستان	۰,۵۷	۸۹/۵۴	۹۴۳/۳۰	۱۰۵۳/۵۰	۷۷/۹۱	۴۶۷/۲۰	۵۹۹/۷۰	۱۰۴/۹۱	۴۷۶/۱۰	۴۵۳/۸۰
پاکستان	۱۱,۶۵	۱۶۱/۱۶	۱۹۴۳۰	۱۲۰۵۶/۷۰	۱۴۵/۶۸	۱۰۱۹۲/۰۰	۶۹۹۶/۱۰	۱۸۲/۵۵	۹۲۳۸/۰۰	۵۰۶۰/۶۰
تاجیکستان	۰,۸	۹۹/۰۵	۱۳۳۹,۱	۱۳۵۲/۰۰	۱۰۳/۷۰	۶۸۷/۵۰	۶۶۳/۰۰	۹۴/۵۷	۶۵۱/۶۰	۶۸۹/۰۰
ترکیه	۴۳,۶	۲۰۶/۲۷	۷۲۷۳۳,۳	۳۵۲۶۱/۴۰	۱۸۵/۶۳	۴۱۳۹۹/۱۰	۲۲۳۰۲/۱۰	۲۴۱/۸۹	۶۱۳۳۴/۲۰	۱۲۹۵۹,۳
ترکمنستان	۲,۸	۱۷۷/۴۵	۴۷۲۱	۲۶۶۵/۰۰	۱۴۱/۸۸	۲۰۹۷/۰۰	۱۴۷۸/۰۰	۲۲۱/۲۴	۲۶۳۲/۰۰	۱۱۸۷/۰۰
ازبکستان	۳,۸	۱۰۰/۸۸	۶۴۰۱/۸۰	۶۳۴۶/۰۰	۱۰۰/۸۳	۳۱۳۶/۹۰	۳۱۱۱/۰۰	۱۰۰/۹۲	۳۲۶۴/۹۰	۳۲۳۵/۰۰

IMF. Direction of Trade Statistics Quarterly, 2003 (<http://www.IMF.org>)

گفتنی است در میان اعضای طی سالهای ۱۹۹۰-۲۰۰۱، آذربایجان، قزاقستان، پاکستان، ترکیه و ترکمنستان توانسته اند تجارتشان را به بیش از ۵۰ درصد افزایش دهند. این سازمان طی سالهای ۱۹۹۰ و ۲۰۰۱ کسری تجاری خود را بهبود بخشیده، به طوری که کل صادرات اکو در سال ۱۹۹۰، ۴۹/۶ میلیارد دلار بوده که در سال ۲۰۰۱ به رقم ۸۲/۳۹ میلیارد دلار رسیده که حدود ۶۶ درصد افزایش نشان می دهد، حال آن که ارزش کل واردات اکو از ۵۹/۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ به ۸۴/۳۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۱ حدود ۴۲/۷ درصد افزایش نشان می دهد و به این ترتیب با وجود آنکه در سال ۱۹۹۰، اکو از کسری تجاری بشدت رنج می برد، در سال ۲۰۰۱ کسری تجاری این سازمان بهبود یافته است. گفتنی است این بهبود بیشتر متأثر از افزایش قابل ملاحظه قیمت نفت بوده است، به طوری که میزان صادرات کشور ایران (۲۲/۱ برابر) افزایش نشان می دهد و به علاوه افزایش میزان واردات به اندازه صادرات نبوده است.

هرچه اندازه تجارت کشورها به هم نزدیکتر باشد، امکان تجارت بین آنها بیشتر است؛ به علاوه کشوری که اندازه تجارت در آن بالا باشد در واقع گویای صادرات و واردات بالا و آن نیز مبین تنوع کمی و کیفی بالای تجارت آن کشور است و بدین ترتیب انتظار می رود بخشی از جریان تجارت در میان اعضا به صورت دوجانبه و چندجانبه صورت پذیرد.

۸-۱ - باز بودن اقتصاد کشورهای عضو اکو

درجه باز بودن اقتصاد با استفاده از نسبت مبادلات تجاری (مجموع صادرات و واردات کشور) به تولید ناخالص کشور محاسبه می شود. بر مبنای این شاخص هر چه نسبت مبادلات تجاری یک کشور به تولید ناخالص داخلی بیشتر باشد، این کشور از اقتصاد بازتری برخوردار است. بر این اساس، در کشورهایی که اقتصاد بازتری دارند، مبادلات تجاری از اهمیت بالاتری برخوردار است. دامنه تغییرات شاخص فوق برای کشورهای عضو سازمان بین ۱۳۳/۹ (مربوط به تاجیکستان) و ۳۱/۵ (مربوط به پاکستان) در نوسان بوده است که گویای ناهمگونی در درجه باز بودن اقتصاد کشورهای عضو این سازمان است. در واقع این سازمان بسته ترین و بازترین اقتصادها را در خود جای داده است. اگر شاخص فوق را به این صورت طبقه بندی نماییم که شاخص بالای ۱۰۰ را «بازترین اقتصادها»، بین ۷۵ و ۱۰۰ را «اقتصاد باز» و کمتر از ۳۵ را «اقتصاد بسته» تعریف کنیم، آن گاه اقتصاد کشورهای تاجیکستان و ترکمنستان، با رقم شاخص بیشتر از ۱۰۰، در گروه بازترین اقتصادها قرار دارند و در مقابل پاکستان با رقم شاخص کمتر از ۳۵ در گروه بسته ترین اقتصادهای عضو اکو قرار دارد و بقیه کشورهای عضو اکو در گروه اقتصادهای نیمه باز و متوسط قرار دارند.

بسته بودن اقتصاد این کشورها به معنای پایین بودن نسبی سهم مبادلات تجاری در GDP این کشورهاست که در نهایت موجب پایین بودن سطح مبادلات تجاری در بین آن کشورها با یکدیگر می شود. افزون بر آن می تواند انواع و اقسام محدودیتهایی را که در توسعه تجارت آن کشورها وجود دارد نیز منعکس کند. بر مبنای معیار مذکور، هر چه کشوری از اقتصاد بازتری برخوردار باشد، از موقعیت مناسبتری جهت عضویت در هم پیوندی اقتصاد منطقه ای داراست، چرا که درجه باز بودن اقتصاد به طور ضمنی حکایت از دسترسی آسانتر به بازار داخلی آن کشور (برچیده شدن محدودیتهای مقداری و به حداقل رسیدن موانع تعرفه ای در تجارت آن کشورها) دارد.

گفتنی است هر چند اندازه اقتصاد کشوری بزرگ باشد (نظیر ایالات متحده امریکا)، انتظار می رود اقتصاد آن کشور به طور نسبی بسته تر باشد و در مقابل انتظار می رود که اقتصادهای کوچک دارای اقتصادهای بازتر باشند؛ چرا که اقتصاد بزرگ از چنان تنوع و گستردگی تولید برخوردار است که بخش عظیمی از تولید را جهت مصرف داخلی تولید می کند و به تناسب از حجم بالای تجارت آن کشور کاسته می شود. این شرایط برای اقتصادهای کوچک چندان میسر نیست؛ چرا که به ناچار بخش عظیمی از مصرف

داخلی را باید وارد نماید و در مقابل در رشته فعالیتهای صنعتی محدودی مزیت های نسبی بالایی دارند.

۸-۲- سهم کالاهای ساخته شده صنعتی از صادرات اعضا

بررسی اقلام کالاهای صادراتی منتخب (۵۰ قلم از مهمترین کالاهای صادراتی) کشورهای عضو سازمان اگو حکایت از آن دارد که سهم چشم گیری از صادرات این کشورها را مواد کانی معدنی (نفت خام و فرآورده های آن) تشکیل می دهد، و کالاهای صنعتی و مواد غذایی در مقام بعدی قرار دارند. به این ترتیب کالاهای صنعتی سهم نازلی از صادرات اغلب کشورهای مورد بررسی را تشکیل می دهند و در مقابل بخش مهمی از صادرات کشورها را کالاهای خام اولیه تشکیل می دهد. در جدول (۷)، سهم کالاهای خام و صنعتی از صادرات اعضای اگو برای دو سال ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ درج شده است.

جدول (۷) ساختار تجاری کشورها

شرح	درجه باز بودن اقتصاد	واردات کالا و خدمات (% از GDP)		صادرات کالا با خدمات (% از GDP)		صادرات کالای خام (از صادرات کل کالا)		صادرات صنعتی (درصد از صادرات کالا)	
		۱۹۹۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰	۲۰۰۰
آذربایجان	۷۰/۶۶	...	۳۸	...	۴۱	...	۹۲	...	۸
ایران	۳۹/۹	۲۴	۲۱	۲۲	۳۵	...	۹۳	...	۷
قزاقستان	۸۲/۴۷	...	۴۷	...	۵۹	...	۸۰	...	۲۰
قرقیزستان	۷۲/۵۶	۵۰	۵۵	۲۹	۴۳	...	۴۰	...	۲۰
پاکستان	۳۱/۵۴	۲۳	۱۹	۱۶	۱۶	۲۱	۱۵	۷۹	۸۵
تاجیکستان	۱۳۳/۹۱	۳۵	۸۵	۲۸	۸۱
ترکیه	۳۶/۳۸	۱۸	۳۱	۱۳	۲۴	۳۲	۳۲	۶۸	۶۸
ترکمنستان	۱۰۷/۴۸	..	۵۳	..	۶۳	..	۹۲	..	۷
ازبکستان	۸۳/۱۴	۴۸	۳۹	۲۹	۴۴

Source: WB. World Development Report, 2002

با دقت در اطلاعات جدول می توان نتیجه گرفت که طی دو سال ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ تحولات خاصی در ساختار کالایی بسیاری از اعضای این سازمان اتفاق نیفتاده و تنها ساختار صادراتی پاکستان و ترکیه به طور محسوسی متحول شده و سهم کالاهای صنعتی از صادرات کالا رو به افزایش گذاشته است و همچنان در سال ۲۰۰۰، سه کشور آذربایجان، ایران و قزاقستان از هفت کشور دارای اطلاعات آماری در دسترس بیش از ۷۰ درصد از صادرات را مواد اولیه تشکیل می دهد و این در حالی است که در همان سال،

بخش مهمی از صادرات کالا (بیش از ۶۰ درصد) ترکیه و پاکستان را کالاهای صنعتی تشکیل می‌داد که در واقع تک محصولی بودن بسیاری از اعضا و عدم تحول صادرات آن کشورها را یادآوری می‌کند. این موضوع سبب شده که روابط تجاری دو جانبه و چندجانبه در میان اعضا به طور قابل ملاحظه‌ای نتواند افزایش یابد.

۸-۳- شاخص تمرکز و تنوع صادرات کشوری

شاخص تمرکز^۱ به طور دقیق‌تری ساختار صادراتی کشوری را که تمرکز بالایی در صادرات کالایی دارد، تشخیص می‌دهد، حال آن‌که شاخص تنوع^۲ از جنبه تنوع صادرات به کشورها را نشان می‌دهد. دامنه هر دو شاخص بین صفر و یک است، که رقم برابر با یک، تمرکز بیش از حد را نشان می‌دهد. آگاهی از میزان اثرپذیری تجارت و درجه آسیب‌پذیری اقتصادها از تحولات بازار جهانی را نیز می‌توان از طریق محاسبه شاخص تمرکز تجاری تبیین نمود و به اصلاح آن از طریق سیاستها و برنامه‌های توسعه اقدام نمود. این امر برای اقتصادهای تک محصولی اعضای اکو جهت تغییر در روند جریان تجاری به ویژه توسعه صادرات و شناسایی بازارهای جدیدتر برای کاهش درجه آسیب‌پذیری در مبادلات جهانی اهمیت می‌یابد. شاخص تمرکز و تنوع صادرات و واردات برای منتخبی از کشورهای اکو برای سالهای ۲۰۰۲ و ۱۹۹۲ در جدول (۸) ارائه شده است. در یک مطالعه، اگر شاخص تمرکز بیش از ۷۰ درصد را «تمرکز بالا»، بین ۷۰ و ۳۰ درصد را «تمرکز متوسط» و کمتر از ۳۰ درصد را «تمرکز پایین» در نظر بگیریم، آن‌گاه برای شاخص تمرکز کشورهای عضو اکو، اطلاعات آماری قابل دسترس در سال ۱۹۹۲، گویای آن است که فقط دو کشور ترکیه و پاکستان از تمرکز پایین در صادرات (کمتر از ۳۰ درصد) برخوردار بوده‌اند و طی یک دهه اخیر شاخص تمرکز در صادرات این کشورها با تحولات ناچیزی مواجه بوده است، به نحوی که در سال ۲۰۰۲، شاخص تمرکز محاسبه شده برای اعضای اکو اطلاعات آماری در دسترس به ترتیب شاخص تمرکز بالا (ایران) و شاخص تمرکز پایین (ترکیه و پاکستان) بوده است که در مجموع گویای آن است ایران در راستای تنوع بخشیدن به کالاهای صادراتی بطئی حرکت کرده و همچنان شاخص تمرکز صادرات بالاست و به علاوه این که اعضای منتخب اکو متکی بر صدور منابع طبیعی، معدنی و کشاورزی می‌باشند.

1) Concentration Index

2) Divercation Index

جدول (۸) شاخص تمرکز و تنوع صادراتی کشورها (درصد)

شرح	شاخص تمرکز		شاخص تنوع	
	۲۰۰۲	۲۰۰۲	۲۰۰۲	۲۰۰۲
آذربایجان	...	۰/۶۸۹ (۹۳)	...	۰/۸۳۲
ایران	...	۰/۸۳۴ (۱۸۷)	...	۰/۸۳۹
قرقیزستان	...	۰/۳۴۵ (۱۱۵)	...	۰/۷۸۲
پاکستان	۰/۲۲۷ (۱۴۵)	۰/۲۲۰ (۱۷۸)	۰/۸۲۷	۰/۸۰۷
ترکیه	۰/۱۱۹ (۲۰۲)	۰/۰۹۴ (۲۲۲)	۰/۶۶۰	۰/۵۶۲

Source: UNCTAD, 2000

۱. ارقام داخل پرانتز تعداد کالاهای صادراتی کشور موردنظر را در آن سال نشان می دهد.

تنوع در واردات این کشورها علاوه بر این که تاکید دیگری بر ساختار در حال توسعه بودن این کشورهاست، تا حدودی تأیید کننده هدفمند نبودن واردات و وابستگی به واردات گروههای کالایی مختلف در ازای درجه تمرکز بالای صادراتی و ساختار ناهمگون و غیرمتجانس اقتصاد و تک محصولی بودن صادرات آن کشورهاست. از منظر دیگر باید گفت که بازار کشورها جاذب هرگونه کالای وارداتی بوده و استعداد این بازارها برای توسعه مبادلات درون گروهی به شرط امکان تامین کالای مورد نیاز این کشورها در داخل زیاد است.

از دیگر دلایل دور ماندن کشورهای عضو اکو از روند جهانی شدن، عدم عضویت برخی اعضا در ترتیبات تجاری منطقه ای و عدم حضور فعال در سازمانهای تجاری جهانی نظیر WTO بوده است. این عدم عضویت گرچه تا چندی پیش به دلیل باز بودن نسبی اقتصاد و امتیازات تعرفه ای که شرکای عمده تجاری در نظر می گرفتند و نیز پایین بودن سهم کالاهای صنعتی در صادرات تا حدودی قابل توجیه بود، اما با افزایش سهم کالاهای صنعتی در صادرات این کشورها و نیز پی گیری سیاستهای توسعه صادرات و کاهش شدید نرخهای تعرفه دولت کامله الوداد^۱ (MFN) در سازمان جهانی تجارت و نیز تعمیم حیطه های تحت شمول آن به کشاورزی، خدمات و تدابیر سرمایه گذاری مرتبط با تجارت، تا حدود زیادی موضوعیت خود را از دست داده است. تلاش در جهت عضویت فعال در سازمان جهانی تجارت و نیز فعالیت چشمگیر در دیگر ترتیبات منطقه ای نظیر DA و بین المللی نظیر GSTP، بسترهای مناسب توسعه تجارت منطقه ای اعضا را می تواند فراهم آورد؛ به عبارتی انتظاری می رود این کشورها با تقویت ترتیبات

1) Most-favored- nation

منطقه ای و حضور فعال در آن و عضویت در WTO، امکان بهره گیری از ترجیحات و امتیازات در این عرصه ها را برای اقتصاد این کشورها فراهم نموده و در غیر این صورت، ورود این کشورها به فرآیند جهانی شدن با هزینه هایی مواجه می شود.

۹- شاخص کارآمدی سازمان اکو با استفاده از شاخص شدت تجارت

نسبت تجارت درون منطقه ای در بین ترتیبات تجاری منطقه ای موجود در دنیا با یکدیگر اختلاف عمده ای دارند. مطالعات نشان می دهد که نسبت تجارت درون منطقه ای نیز بین کشورهای عضو ترتیبات تجاری منطقه ای با درآمد بالا به مراتب بیشتر از ترتیبات مشابه بین کشورهای با درآمد پایین است. در واقع نسبت تجارت درون منطقه ای نیز به ترتیب از ترتیبات تجاری با درآمد بالا به ترتیبات تجاری با درآمد پایین سیر نزولی را طی می کند. به عنوان نمونه در سال ۱۹۹۶، سهم صادرات کشورهای عضو اتحادیه اروپا به دیگر کشورهای عضو، ۶۲ درصد بوده است، حال آن که این نسبت در ارتباط با دیگر ترتیبات تجاری منطقه ای در همین سال به ترتیب نفتا ۴۷ درصد، مرکوسور ۲۳ درصد، اتحادیه مالی و اقتصادی غرب افریقا ۱۱ درصد و اتحادیه مالی و اقتصادی افریقای مرکزی فقط ۱۷٫۹ درصد بوده است. در این میان، تجارت درون منطقه ای سازمان اکو از ۹٫۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۷ به ۱۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳ با نرخ رشد سالانه ۷٫۵ درصد روبه رو بوده است که سهم تجارت درون منطقه ای از کل تجارت اکو از ۶٫۲۷ درصد در سال ۱۹۹۷ به ۶٫۱۵ درصد در سال ۲۰۰۳ کاهش نشان می دهد. بدین ترتیب تجارت درون منطقه ای سازمان همکاری اقتصادی در مقایسه با دیگر ترتیبات منطقه ای اعم از توسعه یافته و در حال توسعه بسیار پایین بوده و لذا تاکنون از جنبه درجه همگرایی اقتصادی موفق و کارآمد ارزیابی نمی شود. عموماً این پرسش مطرح شود که با گذشت بیش از یک دهه از عمر تاسیس سازمان اکو و الحاق هفت کشور به آن، آیا تغییر و تحولات تجاری اعضا- پس از عضویت هفت کشور در این ترتیب منطقه ای- ناشی از اثر انحراف تجارت و ایجاد تجارت بوده است یا نه؟ در واقع فی نفسه، عضویت این ۷ کشور به سازمان اکو به ایجاد و انحراف تجارت در منطقه منجر شده است یا نه؟ در این ارتباط برخی از محققان به منظور شناسایی اثر انحراف تجارت و ایجاد تجارت در ترتیبات تجاری منطقه ای فرمولی را با عنوان «شدت تجارت» طرح کرده اند. شدت تجارت از طریق اندازه گیری نسبت تجارت درون منطقه ای یک کشور به تجارت فرامنطقه ای آن و یا سهم آن در تجارت غیرمنطقه ای تعیین می گردد. این نسبت همچنین در ارتباط

با کلیه اعضای یک ترتیب تجاری منطقه ای به صورت دسته جمعی قابل اندازه گیری است .

اندازه گیری شدت تجارت نشان خواهد داد که آیا افزایش تجارت درون منطقه ای به قیمت کاهش تجارت یک منطقه با دنیا بوده و یا آن که افزایش تجارت به صورت هماهنگ و متوازن اتفاق افتاده است .

اندازه گیری شدت تجارت آهنگ رشد تجارت درون منطقه ای و تجارت فرامنطقه ای را نیز به صورت پویا نشان داده و مشخص خواهد ساخت که آیا با وجود کاهش نیافتن حجم تجارت فرامنطقه ای انحراف تجارت به وقوع پیوسته است یا خیر؟ با فرض ثابت بودن تقاضای جهانی و یا برابر بودن نوسانات آن در داخل و خارج منطقه و یکسان بودن دیگر شرایط، افزایش شدت تجارت در اثر افزایش تجارت درون منطقه ای و کاهش سهم منطقه در تجارت جهانی نشانه وقوع انحراف تجارت خواهد بود . در مقابل در صورت ثابت بودن سهم منطقه در تجارت جهانی و افزایش شدت تجارت به دلیل افزایش تجارت درون منطقه ای اثر ایجاد تجارت در یک ترتیب تجاری منطقه ای وجود داشته است . تجارت سازمان اکو از ۱۵۴/۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۷ به ۲۴۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳ با افزایش مواجه بوده است که سهم اکو از تجارت جهانی از ۱/۳۹ درصد در سال ۱۹۹۷ به ۱/۶ درصد در سال ۲۰۰۳ افزایش یافته که طی این دوره، رشد تجارت اکو (۸/۹ درصد) در مقایسه با رشد تجارت جهانی (۵/۴ درصد)، ۱۶۵ درصد بوده است .

تجارت درون منطقه ای سازمان اکو از ۹/۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۷ به ۱۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳ با نرخ رشد سالانه ۷/۵ درصد روبه افزایش گذاشته، اما سهم تجارت درون منطقه ای از کل تجارت اکو از ۶/۲۷ درصد در سال ۱۹۹۷ به ۶/۱۵ درصد در سال ۲۰۰۳ کاهش نشان می دهد . در مقابل، تجارت فرامنطقه ای سازمان اکو از ۱۴۵/۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۷ به ۲۲۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳ با نرخ رشد سالانه ۷/۹ درصد مواجه بوده که سهم تجارت فرامنطقه ای از کل تجارت اکو از ۹۳/۷ درصد در سال ۱۹۹۷ به ۹۳/۸۵ درصد در سال ۲۰۰۳ افزایش نشان می دهد .

بدین ترتیب طی دوره زمانی ۱۹۹۷-۲۰۰۳ افزایش سهم تجارت فرامنطقه ای از کل تجارت اکو توأم با رشد چشمگیر تجارت سازمان اکو باعث شده تا شدت تجارت در این منطقه از ۶/۶۹ در سال ۱۹۹۷ به ۶/۵۵ در سال ۲۰۰۳ به دلیل کاهش سهم حجم تجارت درون منطقه ای اکو، کاهش یابد .

در واقع، طی این مدت کاهش شدت تجارت با رشد سهم تجارت فرامنطقه ای کشورهای اکو هماهنگ بوده است . به عبارتی، افزایش سهم تجارت فرامنطقه ای کشورهای عضو اکو باعث شده تا شدت تجارت در این منطقه کاهش یابد . سهم تجارت درون منطقه ای در بین اعضای ترتیبات تجاری منطقه ای بسیار

جدول (۹) جریان تجاری بین اعضای آکو طی سال ۱۹۹۷ و ۲۰۰۳

سهم از جهان	صادرات به ... جهان	صادرات به آکو	صادرات به ... جهان	فروختن	فروختن	ترکیه	ترکمنستان	تاجیکستان	پاکستان	ایران	افغانستان	ازبکستان	آذربایجان	آذربایجان
۰/۰۱۴	۳	۳۳/۰۹	۲۵۸/۵	۱/۹۹	۸/۸۸	۴/۱۸۸	۸/۵۱	۳/۲۱	۰/۳۳	۱۸۹/۴۴	۰/۲۲	۷/۳۴	-	۱۹۹۷
۰/۰۲۵	۱۸۷/۸	۱۳۹/۷	۲۶۲/۲۷	۰/۳۲	۱۲/۲۴	۱۱۱/۲۶	۴۱/۶۴	۵۶/۶۴	۰/۰۲	۳۳/۲۲	۰/۸۸	۲/۸۵	-	۲۰۰۳
۰/۰۵۲	۲۸۹۲/۱	۲۰/۸۱	۶۰۲/۹۹	۱۱۶/۸۱	۶۰	۸۶/۰۱	۹۹/۹۵	۳۳/۷۸	۱/۱۲	۱۶	۰/۰۰	-	۵/۰۲	۱۹۹۷
۰/۰۲۶	۱۹۵۲/۴	۲۱/۱۶	۲۱۳/۲۱	۳۵/۵۵	۸۱/۵۶	۹۰/۳۲	۴۱/۳۳	۱۲۰/۲۴	۱/۱۸	۴۰/۶۱	۰/۰۰	-	۱/۶۲	۲۰۰۳
۰/۰۱	۵۰۰													۱۹۹۷
۰/۰۱۸	۱۳۷۰													۲۰۰۳
۰/۳۳	۱۸۳۸۱	۶/۸۴	۱۲۷۶	۲۱	۳۳	۵۲۶	۱۲۶	۲۹	۱۶۹	-		۱۰۴	۲۲۸	۱۹۹۷
۰/۴۱۵	۳۱۰۸۷	۶/۸۳	۲۱۵۴	۵	۱۲	۱۶۸۲	۸۵	۲۲	۲۷۲	-		۰/۰۰	۶۴	۲۰۰۳
۰/۱۵۶	۸۶۳۳	۱/۹۳	۱۵۰	۷	۱۶	۵۹	۸	۹	-	۱۹	۱۹		۱۳	۱۹۹۷
۰/۱۵۹	۱۱۹۲۹	۵/۸۳	۷۰۷	۳	۱۰	۲۰۰	۲	۰	-	۸۲	۴۰۹		۱	۲۰۰۳
۰/۰۱۵	۸۰۳۲۴	۲۶/۶۸	۲۱۴/۲۶	۹/۰۱	۱۰	۸۲۴	۱۰/۲۵	-	۰/۰۰	۲/۲۶	۰/۸۵	۱۷۷/۶۸	۰/۰۷	۱۹۹۷
۰/۰۱۱	۷۹۰/۸	۴۱/۵۸	۳۳۸/۸	۳/۷	۴/۶	۱۹۲/۲	۲/۲	-	۰/۱	۵۱/۴	۵/۸	۶/۷۱	۰/۷	۲۰۰۳
۰/۰۱۴	۷۵۱/۳	۲۰/۵۲	۳۰۲/۲۵	۱۳۳/۷	۳۰/۷۷	۵۰/۸۶	-	۲۹/۸۱	۱/۰۴	۱۳۲/۶۸	۲/۹۱	۴/۹۹	۲۹/۲۲	۱۹۹۷
۰/۰۴۶	۳۳۹۹/۱	۲۲/۸۱	۸۵۵/۵۹	۰/۶۹	۳/۱	۲۲۶/۹۱	-	۲۵/۹۴	-	۵۰/۷۹۲	۱۳/۶۶	۱۰/۶۹	۸/۶۸	۲۰۰۳
۰/۴۷۵	۲۶۲۴	۴/۹	۱۲۸۷	۲۹	۲۱۱	-	۱۱۸	۷	۵۸	۳۰/۷	۶	۲۱۱	۳۲۰	۱۹۹۷
/۶۲۱	۲۷۲۵۵	۲/۲۲	۱۵۶۷	۴۱	۳۳۴	-	۱۷۰	۲۹	۷۰	۵۲۴	۳۶	۱۳۸	۳۱۵	۲۰۰۳
۰/۱۱۸	۶۴۹۷	۸/۳	۵۳۹	۶۶	-	۱۰۲	۵۰	۵۵	۳	۸۳	۹	۱۲۸	۳۳	۱۹۹۷
۰/۱۳۳	۱۹۲۲۷	۸/۲۶	۱۰۸۱	۱۵۶	-	۹۹	۳۷	۱۶	۱	۲۱۱	۲۹	۱۳۸	۱۱۴	۲۰۰۳
۰/۰۱۱	۶۰۹۰۵	۳۷/۰۷	۲۲۵/۸۶	-	۸۷/۱۴	۸۰/۱	۷/۵۳	۱۶/۶۱	۱/۱۴	۶/۲۱	۴/۸۳	۱۰/۱۵۲	۷/۷۷	۱۹۹۷
۰/۰۰۸	۵۸۱/۷	۱۹/۹۳	۱۱۵/۸۵	-	۵۷/۱۳	۱۱	۷/۳۴	۱۸/۸۷	۰/۰۲	۲/۱۵	۶/۱۳	۱۶/۲۶	۷/۰۵	۲۰۰۳
۱/۱۹۸	۶۶۱۹۷/۷		۳۸۹/۱	۲۸۲/۰۸	۲۵۶/۸۹	۹۰/۱۵	۲۳۲/۲۴	۳۳/۵۱	۳۳/۵۳	۷۲/۷۹	۶/۰۱	۷۲۶/۳۳	۶۲۱/۰۸	۱۹۹۷
۱/۵۱۲	۱۱۳۳۱/۸		۷۲۸/۲	۲۲۵/۳۶	۴۱۲/۸۳	۲۶۱/۸	۳۸/۹۱	۳۶۶/۳۳	۳۶۶/۳۳	۱۶۶/۳۳	۵۸/۵۷	۳/۵	۵۰/۰۵	۲۰۰۳
			۸۶۶۶/۸	۷۰۹/۴	۳۳۰۲	۲۸۵/۶	۱۲۲/۷	۷۵/۳	۱۱۶/۱۱	۱۵۸۰/۸	۱۷۰	۲۵۳/۹	۹۹/۱۵	۱۹۹۷
			۱۳۰۷۶۳/۳	۷۱۱/۸	۸۴۰۹	۶۹۲/۵	۲۵۱/۷	۸۸۰/۸	۱۳۰۴۹	۳۰۱۴۴	۳۰	۲۸۱/۵	۲۵۸/۵	۲۰۰۳
			۵/۲۷	۴۰/۰۴	۱/۰/۲	۱/۸۵	۳۳/۲۷	۴۹/۸۱	۲/۰۱	۴/۷	۳۵/۳	۱۶/۲۴	۷۸/۲۷	۱۹۹۷
			۵/۲	۳۲/۲۷	۲/۸۳	۳/۷	۱۵/۲۵	۳۹/۶۳	۲/۶۵	۵/۵۱	۰/۰۰	۱۵/۱۱	۱۷/۵۵	۲۰۰۳
			۱/۵۸	۰/۰۱۳	۰/۷۷	۰/۸۷	۰/۲۲	۰/۱۳	۰/۲۱	۰/۲۸	۰/۰۳	۰/۰۸۱	۰/۰۱۲	۱۹۹۷
			۱/۶۹	۰/۰۱	۰/۱۱	۰/۹	۰/۳	۰/۰۱	۰/۱۷	۰/۳۹	۰/۰۳	۰/۰۲۲	۰/۰۳۷	۲۰۰۳

Source: IMF, Direction of Trade Statistics Year book, 2004

نازل است و غالب تجارت این کشورها با شرکای فرامنطقه ای آنها صورت می گیرد^۱. بدین ترتیب افزایش سهم سازمان اکو در تجارت جهانی هم زمان با کاهش سهم تجارت درون منطقه ای گویای آن است که حداقل طی دوره ۱۹۹۷-۲۰۰۳ بهبودی در شدت تجارت ایجاد نشده است. اقدامات اعضای اکو در زمینه آزادسازی تجاری بین خود تاکنون محدود بوده است. تدوین موافقت نامه تجاری اکو، موسوم به اکوتا (ECOTA)، بی تردید مهمترین اقدام در زمینه توسعه تجارت بین اعضا به شمار می رود. اکوتا که در ژوئیه ۲۰۰۳ نهایی شده و به امضای نمایندگان پنج کشور عضو اکو رسید، با هدف ایجاد سازوکاری برای توسعه تجارت منطقه ای، تقویت اعضا از طریق کاهش تعرفه و حذف موانع غیر تعرفه ای، فراهم ساختن شرایط رقابت منصفانه تجاری بین اعضا و افزایش فرصتهای سرمایه گذاری مرتبط با تجارت در منطقه در ۳۹ ماده تدوین گردید.

جدول (۱۰) میانگین ساده نرخ تعرفه کشورهای اکو در سال ۲۰۰۳ و تعهدات کاهشی تعرفه در قالب اکوتا (درصد)

کشور	کل محصولات		محصولات کشاورزی		محصولات غیر کشاورزی	
	میانگین ساده	نرخ تعرفه هدف گذاری شده درصد	میانگین ساده	نرخ تعرفه هدف گذاری شده درصد	میانگین ساده	نرخ تعرفه هدف گذاری شده درصد
۱. آذربایجان	۸/۷	-	۱۲/۷	۱۰(-۴/۷)	۸/۱	-
۲. ازبکستان	۱۱	۱۰(-۱/۹)	۱۰/۲	۱۰(-۰/۴)	۱۱/۱	۱۰(-۱/۷)
۳. افغانستان	...	-	...	-	...	-
۴. ایران	۲۷/۳	۱۰(-۱۸/۲)	۲۴/۱	۱۰(-۲۱/۸)	۲۶/۳	۱۰(-۱۴/۹)
۵. پاکستان	۱۷/۱	۱۰(-۱۰/۲)	۲۰/۴	۱۰(-۱۳/۳)	۱۶/۶	۱۰(-۸/۱)
۶. تاجیکستان	۸/۳	-	۹/۶	-	۸/۱	-
۷. ترکمنستان	۵/۱	-	۱۳/۵	۱۰(-۵/۸)	۳/۸	-
۸. ترکیه	۱۰	-	۴۲/۹	۱۰(-۲۵/۳)	۵	-
۹. قزاقستان	۹/۵	-	۹	-	۹/۵	-
۱۰. قرقریزستان	۴/۸	-	۵/۹	-	۴/۶	-
۱۱. کل اکو	۱۱/۳۱	۱۰(-۲/۴)	۱۷/۵۹	۱۰(-۱۰/۷)	۱۰/۳۴	-

World Trade Report, 2004. Source: WTO

مأخذ: نتایج تحقیق براساس مفاد موافقت نامه تجاری اکو و گزارش تجارت جهانی سازمان جهانی تجارت ۲۰۰۴.

۱- با فرض ثابت بودن تقاضای جهانی و یا برابر بودن نوسانات آن در داخل و خارج منطقه و یکسان بودن دیگر شرایط، افزایش شدت تجارت در اثر افزایش تجارت درون منطقه ای و کاهش سهم منطقه در تجارت جهانی نشانه وقوع انحراف تجارت است. در مقابل در صورت ثابت بودن سهم منطقه در تجارت جهانی و افزایش شدت تجارت به دلیل افزایش تجارت درون منطقه ای اثر ایجاد تجارت در یک ترتیب تجاری منطقه ای وجود داشته است.

کشورهای عضو اکو، در قالب اکوتا، که یک موافقت نامه تجارت ترجیحی در زمینه تجارت کالا به شمار می آید، به آزادسازی تدریجی تجارت در یک دوره زمانی پنج ساله اقدام می نمایند. تعهدات مندرج در موافقت نامه اکوتا نسبتاً گسترده بوده است. اعضای اکو با پذیرش این موافقت نامه مکلف می گردند تا تعرفه کالاهای مندرج در فهرست مثبت خود را (کالاهای مشمول تعهد کاهش تعرفه ها در اکوتا که حداقل ۸۰ درصد از خطوط تعرفه ای را در بر می گیرد) طی پنج مقطع سالانه از زمان لازم الاجرا شدن این موافقت نامه به ۱۰ درصد کاهش دهند. تعهد کاهش تعرفه ها با هدف رسیدن به نرخ نهایی ده درصد در اصلاحیه جدید به موافقت نامه اضافه گردید^۱. میانگین ساده نرخ تعرفه های گمرکی اعمال شده بر کل تولیدات، کشاورزی و غیرکشاورزی برای تک تک اعضای اکو برای سال ۲۰۰۳ به همراه میزان تعهدات کاهش یافته در قالب موافقت نامه تجاری اکوتا (۵ مقطع سالانه از زمان اجرا و نرخ نهایی تعرفه ۱۰ درصد برای یکایک اعضا) در جدول (۱۰) درج شده است.

از مقایسه داده های آماری مندرج در این جدول با مفاد موافقت نامه تجاری اکوتا نتیجه می شود که برای دستیابی به نرخ نهایی ۱۰ درصد تا انتهای ۵ مقطع سالانه، تنها سه کشور ایران، پاکستان و ازبکستان به ترتیب در هر مقطع سالانه ۱۸/۲، ۱۰/۲ و ۱/۹ درصد میانگین ساده تعرفه های کشوری با فرض کاهش یکنواخت می بایستی کاهش بدهند. در واقع این سه کشور در قبال دیگر اعضای اکو می بایستی به طور یک جانبه به آزادسازی تجاری تدریجی اقدام نمایند.

۱۰ - جمع بندی، توصیه های سیاست گذارانه و ملاحظات پایانی

الف - مؤلفه ها و پیش زمینه های منطقه گرایی موجود در دنیا از جمله در منطقه اکو متنوع است، اما

۱- طرفهای متعاقد اکوتا همچنین متعهد می گردند تا ضمن تثبیت نرخ تعرفه های خود، در فاصله دو سال از زمان لازم الاجرا شدن این موافقت نامه کلیه موانع غیر تعرفه ای واردات شامل سهمیه بندیها و دیگر محدودیتهای مقداری و مجوزهای وارداتی و همچنین عوارض گمرکی و محدودیتهای مقداری بر صادرات را در ارتباط با تجارت تمام کالاها در تمام خطوط تعرفه ای (به استثنای یک درصد فهرست کالاهای حساس و استثنائات عمومی و امنیتی) لغو نمایند. از دیگر تعهدات عمده ای که طرفهای متعاقد اکوتا در زمینه تجارت کالا می پذیرند، تعمیم اصل رفتار ملی به تمام کالاهای وارداتی از دیگر طرفهای این موافقتنامه در زمینه قوانین و مقررات و تشریفات مربوط به فروش، عرضه، خرید، حمل و نقل و توزیع آنها می باشد. موافقت نامه اکوتا همچنین ضوابط و مقرراتی را در زمینه انحصارات تجاری دولتی و پارانه های دولتی (به استثنای تولید محصولات کشاورزی) با هدف جلوگیری از هر نوع لطمه به منافع تجاری دیگر طرفهای این موافقت نامه اعمال نموده و موازینی را نیز در زمینه حقوق مالکیت فکری با هدف انطباق طرفهای این موافقت نامه با برخی از معیارهای بین المللی در این زمینه در بر می گیرد. موافقت نامه اکوتا تاکنون به امضای وزرای شش کشور عضو اکو رسیده که در صورت تصویب آن توسط دست کم پنج کشور عضو اکو برای طرفهای آن لازم الاجرا می گردد.

همگی از یک دسته عوامل و شرایط یکسان و یا مشابهی برخوردارند که باید به مولفه هایی نظیر جغرافیا، اندازه اقتصاد، مشترکات فرهنگی و به ویژه عزم و اراده سیاسی توجهی خاص شود. علاوه بر آثار و پی آمدهای اقتصادی منطقه گرایی، به عمده انگیزه های غیراقتصادی که در شکل گیری ترتیبات منطقه ای قابل تصور است، شامل ثبات و امنیت منطقه ای، انگیزه تثبیت اصلاحات و افزایش قدرت چانه زنی بایستی در ارزیابی تبعات مورد توجه قرار گرفته و اهمیت داده شود.

ب - سازمان جهانی تجارت در قالب ماده ۲۴ گات (۱۹۹۴)، صرفاً منطقه تجارت آزاد و اتحادیه گمرکی را به رسمیت می شناسد و اشکال ساده تر منطقه گرایی را در قالب شرط توانمندسازی و صرفاً برای کشورهای در حال توسعه مجاز می داند. بدین ترتیب، علی رغم نقش مکملی که موافقت نامه های ترجیحی برای نظام چندجانبه داشته و باعث تقویت آن می شوند، در طبیعت خود تبعیض آمیز هستند. به طوری که از اصل دولت کامله الوداد فاصله می گیرند. تاثیرات آنها بر آزادسازی تجاری جهانی و رشد اقتصادی جهان نیز به روشنی معلوم نیست، زیرا اثرات اقتصادی منطقه ای این موافقت نامه ها قبل از تشکیل ذاتاً مبهم است. لذا پیشنهاد می شود بازیگران اصلی سازمان همکاری اقتصادی اکو تدریجاً به ایجاد ناحیه تجارت آزاد و اتحادیه گمرکی طی دوره زمانی منطقی اهتمام ورزیده و همت بگمارند.

ت - مطالعات اثر موافقت نامه های تجاری بر تجارت بین کشورهای تشکیل دهنده آنها در بین کشورهای در حال توسعه چندان امیدوارکننده نیست و اثر خالص اقتصادی این ترتیبات به ساختار و انتخاب پارامترهای داخلی آنها بستگی دارد. مطالعه عملکرد اکو نیز نشان می دهد که این سازمان چندان در افزایش تجارت منطقه ای موفق نبوده است. هر چند این پیمان چارچوب مناسبی برای آزادسازی تجاری در منطقه اکو دارد، ضرورت دارد در عمل نیز تدابیری را برای حذف تدریجی موانع و توسعه تجارت درون منطقه ای اتخاذ نمایند و شرایط ادغام تدریجی اعضا را با اقتصاد جهانی فراهم ساخته و شرایط آزادسازی کامل تجاری را در منطقه فراهم آورند.

ث - سازمان اکو با وسعت و جمعیت قابل ملاحظه، از لحاظ گستره جغرافیایی در غرب و مرکز قاره آسیا پراکنده شده و از لحاظ سطح درآمدی، بیش از نصف اعضا (۶ کشور) در سطح درآمدی کم و تنها یک کشور - ترکیه - با سطح درآمدی بالاتر از متوسط بوده و بقیه نیز در سطح درآمدی کمتر از متوسط قرار دارند. پس این سازمان از حیث جغرافیایی بسیار نزدیک به هم و از لحاظ سطح درآمدی نیز ناهمگون محسوب می شوند. انتظار می رود این کشورها با تقویت ترتیبات منطقه ای و حضور فعال در آن و عضویت

در WTO، امکان بهره‌گیری از ترجیحات و امتیازات موجود در این عرصه‌ها را برای اقتصاد کشورهای خود فراهم نمایند.

ج - کشورهای اکو از لحاظ عضویت در سازمان جهانی تجارت در سه دسته: سه کشور عضو (ترکیه، پاکستان و قرقیزستان)، شش کشور ناظر در حال الحاق (ازبکستان، قزاقستان، آذربایجان و تاجیکستان و اخیراً افغانستان و ایران) و یک کشور غیر عضو غیر ناظر (ترکمنستان) جای می‌گیرند. اعضای اکو عضو WTO در چارچوب قواعد و مقررات این سازمان تبعیضاتی را به نفع اعضای این سازمان نسبت به غیر اعضا اعمال می‌کنند و در چارچوب اصول این سازمان در ارتباط با ترتیبات منطقه‌ای باید امکاناتی فراهم گردد تا تسهیل‌کننده تجارت بین این گروه شود و به طور طبیعی باید این تسهیلات حتی بیشتر از آن چیزی باشد که بین اعضای این سازمان مطرح است. یکی از ویژگیهای اعضای موافقت‌نامه، این است که همگی (به استثنای ترکمنستان) به عضویت کامل یا عضویت ناظر سازمان جهانی تجارت درآمده‌اند و به همین دلیل سیاست تجاری اغلب آنها با نظام تجاری چندجانبه هماهنگ، و اقدامات لازم جهت تنظیم و تعدیل موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای صورت می‌پذیرد. از دیگر مشخصه‌ها، تفکیک آنها به دو گروه با درجه توسعه‌یافتگی بالا و کمتر توسعه‌یافته می‌باشند که در اعمال ترجیحات تجاری و تبادل امتیازات بایستی مدنظر قرار گیرند. به علاوه با توجه به این که سطح همکاریهای تجاری اعضای اکو در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد و موافقت‌نامه‌های ترجیحی بین سه کشور بنیان‌گذار کارایی لازم را نداشته، پس ضرورت تجدیدنظر در نظام تعرفه ترجیحی موجود به منظور کارآمدی سازمان اجتناب‌ناپذیر است.

منابع و مأخذ

حسینی، میرعبدا. . . و همکاران. (۱۳۸۴). آثار ترتیبات تجاری ترجیحی در بین کشورهای عضو اکو بر توسعه تجارت خارجی ایران. تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. گمرک ج. ۱. ایران. سالنامه آمار بازرگانی خارجی ایران. سالهای ۱۳۷۶-۱۳۸۲.

Barry, Donald and Ronald C. Keith, eds. (1999) Regionalism, Multilateralism, and the Politics of Global Trade. Vancouver: UBC Press.

Brahmbhatt, Milan and Dadush, Uri (1996) "Disparities in Global Integration", Finance and Development, Volume 33, No.3.

Flam, Harry and Helpman, Elhanan, (1987), Vertical Product Differentiation and North-South Trade, American Economic Review, VOL77, NO5, PP:810-22, December

Harmsen, Richard and Leidy, Michael (1994) "Regional Trading Arrangements", The Uruguay Round and Beyond, Background Papers II.

Helleiner, GK (1996) "Why Small Countries Worry: Neglected Issues in Current Analyses of the Benefits and Costs for Small Countries of Integrating with Large Ones", The World Economy, Vol.19, No. 6,

<http://www.heritage.org/search>.

<http://WWW.Intracen.Org/ITC/Services/rau>.

<http://WWW.WTO.Org>.

Ilkin, Selim (1994) "The Economic Cooperation Organization (ECO)", Journal of Economic Cooperation Among Islamic Countries, Volume 15, No 3-4.

IMF (1998-2004) Direction of Trade Statistics Year book. Washington: International Monetary Fund Publications. (<http://www.IMF.Org>)

Melo, James (1992) "The New Regionalism in Trade Policy", The World

Bank.

Regional Trading Arrangements and LDCs, Tijris Volume I, No. 4, July 1996.

Soamiley Andriamanajara, Preferential Trade Agreements and the Multilateral Trading System, International Economic Review, (Jan, 2001), p.2.

Sheila, Page.(2000), Regionalism among Developing Countries. Macmillan Press LTD.Overseas Development Institute. London

UNCTAD (1995-2003) “Handbook of International Trade and Development Statistics 1994-2003. NewYork: UN Publications.) www.UNCTAD.Org(

UNDP, HDR, 2002

World Development Indicators Database. 198898-2003. WB.([WWW. World Bank . Org/ Data/...](http://WWW.World Bank . Org/ Data/...))

Zatther, Jurgen (1996) Trade Policy in Developing Countries, A New Trade Policy Consensus?, Intereconomics, September/ October.